

بیانات در مراسم بیعت اقبال مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۲/۱۱

از اول انقلاب تاکنون، در هر سال و ماه و هفته، حادثه‌ی را مشاهده می‌کنیم که معمولاً این‌گونه وقایع در سرگذشت ملت‌ها کمتر رخ می‌دهد، و به همین جهت است که ملت ما از لحاظ معارف انقلاب غنی است؛ چون در دوران انقلاب، با حوادث آموزنده‌ی بسیاری مواجه شده است، و این هم لطف خداست. یکی از آن حوادث، شهادت مرحوم آیت‌الله صدوقی، عالم بزرگوار و از پیشاهنگان انقلاب و یار صمیمی و دیرین امام امت و زبان گویا و پشتوانه‌ی بارز انقلاب و شخصیت برجسته و ممتاز نظام بود. شهادت ایشان- که سومین شهید محراب در زمان ما بودند- یک درس و حادثه‌ی آموزنده بود و خبائت و دنائت دشمن را به اثبات رساند.

بیانات در مراسم بیعت اقبال مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۲/۱۲

ملتی که با ایمان صادفانه و صحیح اسلامی حرکت کند، از عزت و راحتی و رفاه مادی برخوردار خواهد شد و دیگر کسی نمی‌تواند چیزی را بر او تحمیل کند. ما به فضل پروردگار و در سایه‌ی ایمان عمیق ملت‌مان خواهیم توانست در این قطعه از عالم، جامعه‌ی آباد و مرفه و راحت به وجود آوریم که مشاهده‌ی آن برای ملت‌ها درس باشد و منجر به صدور فکر انقلاب شود. تاکنون فضل پروردگار شامل حال ملت ما بوده است و بعد از این هم خواهد بود.

بیانات در مراسم بیعت اقبال مختلف مردم / ۱۳۴۸/۰۲/۲۱

جمله‌ای در وصیت‌نامه‌ی امام عزیزمان هست که هرگز نباید آن را فراموش کنیم. ایشان فرمودند: آن عاملی که انقلاب را به پیروزی رساند، همان عامل، انقلاب را تداوم خواهد داد. یعنی اتکال به خدا و ایمان مردم به اسلام و تصمیم قاطع بر انجام وظیفه‌ی الهی و اسلامی و وحدت کلمه، رمز پیروزی و تداوم انقلاب است. این، یک درس همیشگی برای همه‌ی ماست.

بیانات در دیدار اقبال مختلف مردم سراسر کشور / ۱۳۴۸/۱۰/۰۴

امروز این حقایق، خود را در صحنه‌ی واقعیت اثبات می‌کند. نظام‌های مارکسیستی برخلاف میل مردم، با پول و زور و تانک و دخالت قدرت خارجی، بر مردم اروپای شرقی- اعم از لهستان و چک‌اسلواکی و مجارستان و بقیه‌ی این کشورها- تحمیل شد. چهل سال، پنجاه سال، این نظام را با منتهای دقت و قدرت ظاهری، در این کشورها نگهداشتند؛ اما چون پایه‌ی سیست و نامطمئن‌ی داشت، نتوانست بماند و وقتی خشت از خردن کنشیده شد و وقتی یک ضربه‌ی اساسی به آن‌ها خورد، این نظام‌ها یکی پس از دیگری، شروع به فرو ریختن و از بین رفتن کردند. اگر هم سرانی پیدا شدند که لجاجت و مقاومت کردند- مثل سرنوشت همین شخصی که در این دو سه روز در رومانی مشاهده کردید و دیدید که با شدت با مردم رفتار می‌کرد- وقتی هنگامش فرار رسید، مردم عقب‌نشینی نکردند و در مقابل غلظتها و شدنها ایستادند و در نتیجه، آن‌هایی که تحمیل بودند، مجبور شدند عقب‌نشینی کنند.

مردم اصلند. هر نظامی که بر پایه‌ی میل و اعتقاد مردم نباشد، همین سرنوشت را دارد. مستبدان عالم، دیکتاتورها و کسانی که با زور شمشیر و تازیانه بر ملت‌ها حکومت می‌کنند، باید چشم‌هایشان را باز کنند و عبرت بگیرند. آن کسانی که علی‌رغم میل مردم، نظام‌ها را بر پایه‌ی سرنیزه و اختناق سرپا نگه می‌دارند، سرنوشت اروپای شرقی را ببینند. نظم آهین در کشورهای کمونیستی آن‌چنان بود که خودشان هم تصور نمی‌کردند ممکن باشد که یک روز در هم فروبریزد؛ ولی ریخت. البته ما نمونه‌های دیگرش را هم دیده‌ایم. یک نمونه از نوع دیگر، رژیم پهلوی و ستم‌شاهی گذشته‌ی همین کشور بود که با چشم خودمان دیدیم و ملت با دست خود، آن رژیم را متلاشی کرد و از بین رفت.

در این کشورها، با دین مخالفت شد. اهل دین- چه مسلمان و چه مسیحی- زیر فشار قرار گرفتند. اعتقاد دینی مردم در طول دهها سال سرکوب شد؛ اما دیدیم و دیدند که مبارزه‌ی با دین و اعتقاد دینی مردم، به جایی نمی‌رسد و اعتقاد و ایمان دینی، بالاخره از زیر آوارها سر می‌کشد و خود را بر مخالفانش تحمیل می‌کند و کرد. پس، مستبدان عالم و کسانی که به زور بر ملت‌ها حکومت می‌کنند و ملت‌ها را به هیچ نمی‌گیرند و کسانی که با دین مبارزه می‌کنند و با ایمان دینی مردم در هرجای دنیا پنجه در پنجه می‌اندازند، عبرت بگیرند. این‌ها، درس عبرت است و اسلام و قرآن، به همه‌ی ما دستور می‌دهد که باید عبرت بگیریم.

بیانات در دیدار اقبال مختلف مردم سراسر کشور / ۱۳۴۸/۱۰/۰۴

با کمال تاسف باید بگوییم دولتهایی که در کشورهای مختلف دنیا مشغول حکومتند و بعضی از آن‌ها تا حدودی جنبه‌ی مردمی هم دارند و یا وابستگی ندارند و یا به آن غلظت ندارند، همه و همه در مقابل چنین جنایت بزرگ و آفت عظیمی سکوت می‌کنند. البته، ملت‌ها در گوشه و کنار تظاهراتی راه می‌اندازند و راه‌پیمایی‌ای می‌کنند- که در این چند روز ملاحظه کردید علیه اقدام امریکا تظاهراتی شد- لیکن معدود است و در گوشه و کنار می‌باشد و آن حرکتی که باید انجام بگیرد، انجام نمی‌گیرد. ما بایستی از این حادثه به‌عنوان یک درس در خط هدفهای انقلابمان استفاده کنیم و بیاموزیم.

بیانات در دیدار اقبال مختلف مردم / ۱۳۴۸/۱۱/۰۲

آن‌ها، دائماً می‌خواهند از اسلام عبج‌جویی کنند و ایراد بگیرند. ملت ما به هر کیفیتی که زندگی بکند و به هر پیشرفتی که نایل بشود، در همه‌ی جریانهای زندگی، دشمن از بدگویی نسبت به انقلاب و کشور و نظام اسلامی، باز نخواهد نشست. کاری که دشمن می‌تواند بکند، تبلیغ علیه اسلام و انقلاب است. علی‌رغم این عمل دشمن، شما دستاورد بزرگ انقلابتان را قدر بدانید و اسلام و نظام اسلامی و انقلابی و راهی را که امام در مقابل ملت ما ترسیم کردند، حفظ کنید. امام، راه آزاد زیستن، کامل شدن، ساختن زندگی به شکلی که مورد رضای خدا و دستور اسلام است، سازندگی حقیقی زندگی و عدم سازش با قدرتهای ضد اسلامی را به ما نشان داد. این‌ها، برای ما درسهای بیست و دوم بهمین است.

بیانات در دیدار فرمانده و جمع کثیری از پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۴۸/۱۱/۱۹

معلوم است که دشمنی سردمداران قدرت- و بیش از همه امریکا- با چنین ملت و دولت و رهبری و با چنین شعارهایی، یک دشمنی تمام نشدنی است. این دشمنیها، از روز اول علیه انقلاب و اسلام و کشور و امام وجود داشته و در طول این یازده سال هم ادامه پیدا کرده است و همین، یکی از صحنه‌های عبرت و معرفت برای کسانی است که دارای دیده‌ی بصیرتند.

خصوصیت ابرقدرت این است که به مردم دنیا تفهیم بکند که هیچ‌کس در مقابل او تاب ایستادگی و مقاومت ندارد. یکوقت چند سال پیش از این گفتم که ابرقدرت‌ها، بیش از آنچه که با پول و سلاحشان زندگی بکنند و قدرت نشان بدهند و حکومت بکنند، با هیبتشان زندگی می‌کنند و فرمان می‌رانند و حکومت می‌کنند. حقیقتاً هیبت ابرقدرت‌ها و امریکا و تا چندی پیش شوروی، ملت‌ها و دولتها و رجال و سیاستمدارها را در بسیاری از نقاط دنیا- و شاید بتوانم بگویم در همه جای دنیا- می‌لرزاند.

این خاطره را بارها نقل کرده‌ام که در یکی از مجامع بین‌المللی که نطق خیلی پرشوری در آنجا علیه تسلط قدرتها و نظام سلطه در دنیا ایراد کردم و امریکا و شوروی را در حضور بیش از صد هیئت نمایندگی و روسای دولتها، به نام کوبیدم و محکوم کردم، بعد از آن نطق، عده‌ی زیادی آمدند تحسین و تصدیق کردند و گفتند: همین سخن شما درست است. یکی از سران کشورها که یک جوان انقلابی بود- و البته بعد هم او را کشتند- نزد من آمد و گفت: همه‌ی حرفهای شما درست است،

منتها من به شما بگویم که به خودتان نگاه نکنید که از امریکا نمی‌ترسید؛ همه‌ی اینهایی که در اینجا نشسته‌اند، از امریکا می‌ترسند! بعد سرش را نزدیک من آورد و گفت: من هم از امریکا می‌ترسم!!

هیبت ابرقدرتی ابرقدرت‌ها، همیشه بیشترین مشکلات آن‌ها را در دنیا حل می‌کرده و می‌کند. در حقیقت، قدرت و سلاح و پول و سیاست و عقلشان، به مراتب کمتر از هیبتشان است. این هیبت آن‌هاست که همه را می‌ترساند و جرات نمی‌کنند در مقابل آن‌ها بایستند. حالا این ابرقدرت، با هیبتی قدرانه که خیلی هم واضح وارد کشورها می‌شود و اوضاع را به نفع خود حل و فصل می‌کند، یازده سال است با ملت ایران کلنجار می‌رود و با انقلاب می‌جنگد؛ برای اینکه بتواند این انقلاب را از بین ببرد و این نظام را نابود نماید، ولی نتوانسته است.

این، آن صحنه‌ی عبرت می‌باشد. این است که حتی اگر شما به اعماق دل ملت‌های دنیا نگاه کنید، بسیاری از سران آزادی‌خواه دولت‌ها- آن‌هایی که رگه‌ی آزاده‌خواهی دارند- به نام ملت و جمهوری اسلامی ایران شعار می‌دهند و به هیجان می‌آیند؛ چون ایران انقلابی، مظهر میان تهنی بودن طبل قدرت امریکاست. ملت ایران نشان دادند که ابرقدرت نمی‌تواند آن‌ها را به زانو درآورد. این به برکت انقلاب و فکر و ایمان و اسلام است که می‌تواند دل‌ها را محکم و از ترس خالی کند و قدرت انسانیشان را به آن‌ها تفهیم نماید. باید قدر این را بدانید. ما امروز نشانه‌های رشد معنویت و افول مادیت را در دنیا می‌بینیم. اروپای شرقی را دیدید، بسیاری از نقاط دیگر دنیا را مشاهده کردید و بسیاری دیگر را بعداً مشاهده خواهید کرد.

ماجرای امروز عالم، یکی از آن عبرت‌آموزترین ماجراهاست. حوادثی در دنیا اتفاق می‌افتد که اگر شبیه این حوادث در تاریخ اتفاق افتاده، حقیقتاً امروز برای ما شکل افسانه دارد و تصور و باور کردنش سخت است. وانگهی اگر اتفاق افتاده، در طول چند ماه و مدت کوتاهی اتفاق نیفتاده است. حوادثی که امروز در دنیا در طرف مدت شش ماه و هفت ماه و هشت ماه و یک سال اتفاق می‌افتد، گاهی در طول تاریخ در طی سال‌ها اتفاق افتاده است. حوادث تکان‌دهنده و عجیبی می‌باشد و همه در جهت آن چیزی است که شما به آن ایمان دارید؛ یعنی در جهت قدرت معنویت و قدرت ملت‌ها و حاکمیت نظام‌های متکی به آحاد مردم و محبوب آن‌ها و در جهت عکس زورگویی و سلطه از هر نوعش- چه نوع ارتجاعی و استبدادی و سلطنتی و چه نوع مدرن و امریکایی آن.

سخنرانی در دیدار با مسوولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها و اقشار مختلف مردم / ۱۳۴۹/۰۵/۲۴

در یک نظام درست، حکومت مثل سکویی برای مردم است که روی آن سکو پا می‌گذارند، تا اعتلا پیدا کنند. یک حکومت خوب و شجاع، یک دولت دلسوز، مایه‌ی عزت مردم خودش است. ملت ایران به خاطر عظمت امام بزرگوارمان، در دنیا عظمت پیدا کرد. مسئولان و رهبران و دولت خوب، این است. اما دولت بد، آن دولتی است که بر دوش مردم خود سوار می‌شود، به سر آن‌ها می‌زند، باری بر گردن آن‌هاست و وزر و وبالی برای آن‌ها می‌باشد. متأسفانه وقتی اسلام در کشوری زنده نبود و حاکمیت نداشت، آن‌طور می‌شود. این‌ها برای ما عبرت است.

پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی / ۱۳۴۹/۰۸/۱۳

اگر دنیا شاهد آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تا امروز، ملت‌های مسلمان در همه جای جهان، حرکاتی از سر اعتماد به خود، در جهت بازگشت به هویت و فرهنگ اسلامی خود انجام می‌دهند، درست به این دلیل است که مبارزه‌ی فداکارانه‌ی ملت ایران، این ترفند استعماری و استکباری را که ملل شرق و ملل مسلمان، قادر به عقب نشاندن قدرتهای اروپا و امریکا نیستند، ابطال کرده و جایگاه قدرت واقعی را نشان داده است. قدرت واقعی، مردم باایمانند و در برابر چنین مردمی، هیچ قدرت مادی هرچند بزرگ و مجهز قادر به اعمال اراده‌ی خود نخواهد بود.

این، بزرگترین درس روز سیزدهم آبان ماه است. روزی که هم شاهد غربت و مظلومیت امام جبهه‌ی حق بود، هم شاهد مقاومت خونین و فداکارانه‌ی امت آن امام و تا حد قربانی دادن نوجوانان دانش‌آموز، و هم شاهد ذلت دشمنان آن امام به دست مریدان و شاگردان پرشور و انقلابی. ... لذا درس این روز، درسی بس عبرت‌آموز و استثنایی است.

پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی / ۱۳۴۹/۰۸/۱۳

خدا را شکر می‌گوییم که ملت ایران با گوش حق‌نویس و چشم حق‌بین، درس‌های بزرگ زندگی را از انقلاب بزرگ و رهبر حکیم خود آموخت و روز به روز با تحقق وعده‌های الهی، ایمانش به حقانیت این راه عمیق‌تر شد. ملت ما، پیروزی بر رژیم وابسته‌ی شاهی را، پیروزی بر ترفندها و توطئه‌های امریکایی را، پیروزی بر جبهه‌ی نظامی پیش‌کرده‌ی شرق و غرب را، پیروزی بر محاصره‌ی اقتصادی را، پیروزی بر جبهه‌ی سیاسی و تبلیغاتی جهانی را و پیروزی بر بسیاری از مشکلاتی را که به دست همان دشمنان برایش فراهم شده بود، یکی پس از دیگری با همه‌ی وجود حس کرد و طعم شیرین آن را چشید. همه‌ی این پیروزیها، به برکت تمسک به اسلام و حفظ استقلال و استغنا از بیگانگان و توکل به خدا و تلاش یکپارچه‌ی ملت پشت سر رهبر یگانه و بی‌بدیلیش به دست آمد.

بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم / ۱۳۴۹/۱۱/۰۴

در اینجا، نکته‌ی عبرت‌آمیزی وجود دارد و آن، این است که تجهیزاتی که امروز در مقابل این نیروهای مهاجم به وجود آمده است، مولود سونیت و خبائثت خود این‌هاست. خود آن‌ها هستند که این پایگاهها و این سکوها و این موشکها و این هواپیماها و این ضدهواییها و این تجهیزات مدرن و پیشرفته را به رژیم عراق دادند، تا با آن‌ها اسلام را بکوبد. «سینفونوئا ثم تکنون علیهم حسره ثم یغلبون»، همین‌طور شد. شرق و غرب، پول و سلاح و وسیله‌ی تبلیغات و امکانات دادند و تکنیکهای نظامی در اختیار گذاشتند و همان چیزهایی که داده بودند، تا با آن‌ها اسلام نابود بشود، حالا در مقابل خودشان قرار داده می‌شود و علیه خودشان به کار می‌رود. بحمد الله نتوانستند با این تجهیزات، اسلام و انقلاب اسلامی را نابود بکنند. این هم آن نقطه‌ی حقیقتاً عبرت‌انگیزی است که بایستی فهمید و خدا را شناخت.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۰/۰۲/۲۶

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران و اعلام اینکه ملت ایران درصدد است جامعه‌ای بر اساس ارزشهای اسلامی بسازد و در آن مقررات اسلامی را تحقق بخشد، موج تبلیغات بوق‌های تبلیغاتی شرق و غرب و وابستگانشان، جمهوری اسلامی را به نام بنیادگرا و کهنه‌پرست و رو به گذشته و عناوینی از این قبیل، به شدت مورد حمله قرار داد و به نام نوگرایی، از اینکه ایران اسلامی می‌خواهد پایبند به سنت‌های گذشته باشد، انتقاد کرد؛ و این در حالی بود و هست که نظام‌های مرتجع و مستبد و پایبند سنت‌های پوسیده که هرگز بویی از مفاهیم نوین عالم مانند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر استشمام نکرده و در شرق و غرب جهان کم نیستند، هیچ‌گاه به آن نام‌ها مورد تعرض تبلیغاتی قرار نگرفتند! و عبرت‌انگیز آنکه رادیوهای رژیم‌هایی که در آن از ابتدایی‌ترین رسوم نوگرایی سیاسی خیری نیست و چیزی به نام مجلس ملی و انتخابات آزاد و نشریه‌ی غیر دولتی در آن در حکم افسانه است نیز به کشوری که در آن به حکم اسلام، حکومتی مردمی بر سر کار است و قانون اسلامی در مجلسی مرکب از نمایندگان مردم تصویب و به دست دولتی منتخب مردم اجرا می‌شود و مردم در حساس‌ترین مسائل آن دارای حضور فعالند، نام مرتجع دادند و هوشمندان عالم را از تقلید مسخره‌آمیز خود به خنده انداختند!

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش / ۱۳۷۰/۱۰/۲۵

هرجایی که اسلام بروز می‌کند و مردم ابراز می‌کنند که به اسلام علاقه‌مندند، می‌بینید که چگونه صف‌آرایی شدیدی علیه آن‌ها به وجود می‌آید. البته ما معتقدیم که مردم الجزائر بالاخره به اسلام دست خواهند یافت و مطلوب خودشان را که حاکمیت اسلام است به دست خواهند آورد و این توطئه‌هایی که الان در آنجا هست

و مستقیماً زیر نظر استخبارات و با هدایت استخبارات بخصوص آمریکا است، خنثی خواهد شد. این‌ها قادر نیستند در مقابل اراده‌ی یک ملت، مدت زمان زیادی مقاومت کنند؛ یک چند روزی بالاخره جوله‌ای می‌کنند، اما این جولان نمی‌تواند در مقابل اراده و خواست قلبی مردم ماندگار باشد؛ به شرطی که مردم ان شا الله مقاومت کنند، و خواهند کرد.

این حادثه، برای ما تجربه و عبرتی است؛ «ان فی ذلک لعبره». وقتی در مقابل یک حرکت حاکی از میل، که هنوز هیچ‌گونه اثر خارجی بر آن مترتب نشده، اما چون آینده برایشان مشهود است، این چنین صف‌آرایی و خصومت می‌کنند، شما ببینید با یک اسلام تلپور یافته در یک کشور که همان نظام جمهوری اسلامی است چقدر این‌ها از اعماق وجود دشمنند، و چقدر آماده هستند که برای نابود کردن آن، از انواع طرق استفاده کنند. از اول انقلاب تا حالا، ما درگیر این قضیه بوده‌ایم؛ الان هم در همه‌ی زمینه‌ها اعم از زمینه‌ی اقتصادی، یا زمینه‌ی فرهنگی، یا زمینه‌ی سیاسی عملاً درگیر هستیم. همه جا باید خودمان را تجهیز کنیم، و این تجهیز، یکی از مهم‌ترین تدابیرش همین است که ما جوانان و نوجوانان و کودکان این مرزوبوم را اسلامی بار بیاوریم.

پیام به کنگره‌ی جهانی هزاره‌ی شیخ مفید / ۱۳۷۲/۰۱/۲۸

نکته‌ی پایانی این مقال، توصیه‌ی موکد من به علما و اندیشمندان حاضر در این اجتماع فرهنگی است که با همه‌ی توان بکوشند این لقا علمی را وسیله‌ی نزدیکی فکری و اتحاد عملی میان مذاهب اسلامی قرار دهند. چگونگی برخورد شیخ مفید با خصم مذهبی زمانش بیگمان ماثراً از حوادث تلخ اجتماع و مصائبی است که شیعه‌ی مظلوم آن روز با آن مواجه بوده و آتش تعصبات کور آن را بر می‌انگیخته است. آنگونه رفتار نمی‌تواند امروزه الگویی برای برخورد فرق اسلامی با یکدیگر حتی در صحنه‌های کلامی باشد. امروز همه‌ی فرق اسلامی باید با مشاهده‌ی آن صحنه‌های دردناک تاریخ، تجربه‌ی مسالمت و مهربانی بیاموزند و در زمانی که اصول اسلام - که مفیدها در هر مذهبی برای احیا آن، چنان رنجهایی را متحمل شده‌اند - از سوی دشمنان جهانی در معرض خطر است، به وحدت و اقتراب و همکاری همه‌ی فرقه‌ها و همه‌ی متفکران آنها بپردازند، و این درس بزرگ انقلاب ما و رهنمود همیشگی امام راحل ما (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۲/۰۶/۲۵

خیلی خوش آمدید برادران عزیز و جوانان زبده و برگزیده‌ی ملت بزرگ ایران. ایام آخر شهریور و اول مهر، برای ملت ما یادآور یک حادثه و یک ماجرای عبرت‌انگیز است که در خلال آن، اصالت‌های زیادی آشکار می‌شود. این‌ها در تاریخ خواهد ماند و علاوه بر این، در دفتر «کرام‌الکاتبین» و در علم واسع الهی و دیوان اجر و مزد و پاداش پروردگار هم، ثبت و ضبط است. آن حادثه و ماجرای عبرت‌انگیز عبارت است از دفاع هشت‌ساله‌ی جانانه‌ی ملت ایران که شما برادران، در این دفاع و حماسه‌ی بزرگ، نقش بسیار برجسته و تعیین‌کننده‌ی داشته‌اید.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۷۲/۰۲/۱۱

قریب به بیست سال قبل از دوران پنجاه‌ساله هم، در این کشور، مشروطیت بود که مجموعاً، با تعطیلات و انسدادها و به‌توپیست‌ها و غیره، تقریباً در حدود چهار دوره، مجلس شورای ملی درست شده در اول مشروطیت، کار کرد. تاریخ آن مجالس، بسیار عبرت‌آور است و واقعاً یکایک ملت ایران، برای اینکه بدانند جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به این کشور و این ملت چه داده است، باید آن گذشته را بخوانند. تا ندانیم چگونه بوده‌ایم، نخواهیم دانست که امروز چه در اختیار داریم. در آن چند سال اولیه، تا وقتی که هنوز مجلس، آن مجلس تحت نفوذ سلطان و سردار و دولت و سلطنت و سفارتخانه‌ی خارجی نبود، مجلسی بود که با وجود ابتدایی بودن، تاثیر خود را در اوضاع کشور می‌گذاشت. هر جا که اندکی نشانه‌ی سلطه‌ی خارجی بود، آن مجلس، با قدرت تمام می‌ایستاد. اولتیماتوم روس بود، مجلس ایستاد. استقراض از خارجها بود، مجلس ایستاد. قرار داد وثوق الدوله بود، مجلس ایستاد. امثال مدرسه‌ها در آن مجلس، کم‌وبیش بودند. آن‌هایی هم که گذشت زمان نشان داد نمی‌توانند همیشه مدرس باقی بمانند و مثل مدرس باشند، در سایه‌ی حضور مردان مستقل باایمانی از قبیل مدرس، خیابانی و امثال آنها، یک حالت واقعی مردمی به آن مجلس دادند.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۷۲/۰۲/۱۱

بعضی از آن‌ها افتخار می‌کردند که در آن جلسه‌ای که سلطنت ایران به خاندان فاسد و ننگین پهلوی داده شد، حضور نداشتند! در حالی که بایستی می‌بودند و مخالفت می‌کردند. بعضی وابسته و فاقد استقلال بودند. شجاعت هم داشتند؛ اما آن شجاعت را در جهت باطل و خلاف حق به کار می‌گرفتند. جیبها و شکم‌هایشان از مال حرام، پر بود. طمع رشوه، طمع رسیدن به مقامات، طمع کمک فلان‌کسی که ممکن است قدرت را در دست بگیرد یا امروز بر سر قدرت است، چنان آن‌ها را گیج می‌کرد که نمی‌فهمیدند مسئولیت چیست. احساس مسئولیت نبود، استقلال نبود، شجاعت نبود، آگاهی و معرفت و فرزاندگی نبود و کار به آنجا رسید. و الا اگر مشروطیت در آغاز کار، منطبق با خواسته‌ی رهبران واقعی و مخلص و مومن آن نهضت - که بلاشک برترین آن‌ها علمای بزرگ بودند - و هرکس منکر این حقیقت شود، منکر ضروریات و واضحات شده است. چنان‌که عده‌ای منکر می‌شوند و امروز برای گذشته‌ی ما تاریخ می‌نویسند و حقایق را انکار می‌کنند - به پیش می‌رفت، کشور ما پنجاه سال در حساس‌ترین مقاطع تاریخ جهان، از قافله عقب نمی‌ماند. ما پنجاه سال ضرر کردیم. ما ملت ایران، به خاطر تسلط آن قلندر بی‌سواد و خاندان و فرزندان و کسان و همراهانش؛ یعنی تسلط قدرتهای مسلط بر این کشور - که در نیم قرن آخر قبل از پیروزی انقلاب، انگلیسی‌ها و بعد هم آمریکاها بودند - و نیز به خاطر کوتاهی مجلس، ضرر کردیم و دچار خسران شدیم. مجلس می‌توانست از اول جلو این ضرر را بگیرد. شما به تاریخ دوران مشروطیت که نگاه کنید، می‌بینید هر جا مجلس از خود قدرتی نشان داد، در مقابل آن قدرت، همه مجبور شدند راه و روش خود را اصلاح کنند. لذا، دشمن در مجلس آن وقت نفوذ کرد: «تلک امه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم». این‌ها عبرت است.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۲/۰۱/۰۲

تا اینجا این‌ها علیه این کشور و ملت و اقتصادش اقدام می‌کنند. همه باید مواظب باشند. من به شما عرض کنم: شیطان‌ی که قرآن، در منطق دین، آن را مظهر شر و فساد دانسته است، در منطق انقلاب هم وجود دارد. این شیطان، «استخبار» است که دشمن انقلاب است. از همه‌ی شیطان‌ها رذلت‌تر و خبیث‌تر، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است. زن و مرد ایرانی و احاد ملت در سرتاسر این کشور، بدانند که امروز هیچ دشمنی برای آن‌ها از این مسئولین آمریکایی که امروز سردمدار امور کشور آمریکا هستند، بدتر، خبیث‌تر و خطرناک‌تر نیست. آن‌ها دائم علیه جمهوری اسلامی و این ملت توطئه می‌کنند. البته سرشان هم دائم به سنگ می‌خورد؛ اما ادب نمی‌شوند. یکی از رئیس‌جمهورهای آمریکا، به داخل این کشور هلیکوپتر فرستاد و سروکارش با توفان طیس، یعنی جنود غیبی الهی افتاد. این‌ها چه می‌گویند؟! می‌فهمند چه می‌کنند؟! می‌فهمند چرا؟! با کی مواجهند؟! این یاهو‌هایی که می‌گویند علیه کیست؟ جوابش با کیست؟ ملت ایران ملت بزرگ و نیرومندی است. ملت ایران ملت متحد و بافرهنگی است. من تعجب می‌کنم چرا این‌ها از گذشتگان خودشان و از این شانزده سال، عبرت نمی‌گیرند؟! دائم علیه جمهوری اسلامی و ملت و مسئولین ایران یاهو‌گویی و دروغ‌پراکنی می‌کنند! سران و بزرگان آن‌ها، دائم راجع به جزایر خلیج فارس، تسلیحات ایران، انرژی اتمی و سلاح شیمیایی دروغ‌پراکنی می‌کنند. اگر روزنامه‌ها بنویسند، آدم می‌گوید «خوب؛ روزنامه‌نگارند. برای نانشان مجبورند دروغ بگویند!» روسای مجلس و رئیس‌جمهورشان می‌گویند! انسان تعجب می‌کند که چرا یک نظام، باید این قدر دچار انحطاط و نکبت معنوی شود، که به درون این مزبله‌ی دروغ‌گویی بیفتد!

پیام به نشست سالانه‌ی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت) / ۱۳۷۲/۰۲/۰۶

ما امروز در این دوران از انقلاب کبیر و عظیم و عمیق خود قرار داریم. البته امتیاز ما به صدر اول در دو نکته، مهم است. نخست؛ وجود تجربه‌ی آن دوران در برابر ما که

برای ما صفحه درس آموزنده و هشداردهنده‌ی است که ای بسا خواهد توانست از آن خطرات مانع شود. و نکته دوم: کثرت و تراکم دل‌های مومن و آگاه با ایمان‌های جوشان و دل‌های پاک و در همه جای این کشور بزرگ است.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۴/۰۲/۱۲

پیام دیگر انقلاب، «عدالت» است. در دنیا هر جا که ندای عدالتخواهی بلند شده است، این انقلاب آنجا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است و با حق‌جویان و عدالتخواهان عالم، همراهی کرده است. بسیاری از عدالتخواهان، آزادی‌خواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قاره‌های پنج‌گانه‌ی عالم، می‌گویند «ما از انقلاب شما این درس را آموختیم» و راست می‌گویند. این هم یک پیام است؛ پیام عدالتخواهی. پیام بزرگ و مهم انقلاب ما برای امت اسلامی و جوامع و ملت‌های مسلمان، عبارت از «احیای هویت اسلامی، بازگشت به اسلام، بیداری مسلمانان و بازگشت به نهضت اسلامی» است. این، پیام بزرگ انقلاب ما به ملت‌های مسلمان است که امام و پیشوای بزرگ این راه و معلم بزرگ این خط و مکتب بود.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۴/۰۲/۱۲

دشمن که می‌گوید «انقلاب به وسیله انقلابیون صادر می‌شود»، اشتباه و غلط مضاعف می‌کند. دویار غلط می‌کنند. اشتباه اول آن‌ها اینجاست که نظام جمهوری اسلامی، در صدد صادر کردن هیچ‌چیز نیست. نظام جمهوری اسلامی دارای حقیقتی است که همان انقلاب است. این ملت، حقیقت انقلاب را به وجود آورد و نظام جمهوری اسلامی، تجسم انقلاب است. اشتباه دوم این است که تفکر انقلاب و پیام انقلاب که پیام آزادی و بیداری است، احتیاج به صادر کردن ندارد. مگر لازم است کسی این مفاهیم را صادر کند؟! خوب؛ یک حرف و حقیقتی است که ملتها از آن بی‌خبرند. وقتی مواجه شدند و تجربه‌ی موفق جمهوری اسلامی را دیدند، قهرا درس می‌گیرند. لازم نیست به ملتها گفته شود که «شما هم بیایید این‌طور عمل کنید». ملتها، نظام جمهوری اسلامی، انقلاب، موفقیت‌های این ملت و عزت ایران و اسلام را می‌بینند و درس می‌گیرند. امروز بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون و بیداری روح معنویت در سرتاسر جهان، مرهون انقلاب اسلامی است.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۴/۰۲/۱۲

ملت ایران بدانند: امروز بزرگترین تلاش‌ها و جهادها در سطح جهان که از نظر خدای متعال در جهت تحکیم اسلام و پیام اسلام است، این است که ایران اسلامی آباد و برکاتش آشکار شود. باید زندگی در این کشور مایه‌ی رشک ملت‌های دیگر شود، تا بخواهند از آن درس بگیرند. این، عاملی است که دشمن را محکوم می‌کند. دشمن می‌خواهد وانمود کند که اگر کشور و ملتی به آغوش اسلام پناه برد، باید در فقر زندگی کند، از پیشرفت‌های علمی محروم بماند و نتواند خود را اداره کند. ملت ایران! شما در طول این شانزده سال- از اول انقلاب تا امروز- با این خواست دشمن جنگیده و مبارزه کرده‌اید. شما ملت بزرگ، عزیز، هوشیار و توانا، کاری کردید که کشور شما که در آغوش و زیر پرچم اسلام زندگی می‌کند، بتواند برای کشورهای دیگر الگو باشد. شما ملت ایران برای بازسازی این کشور خیلی زحمت کشیدید. هشت سال جنگ تحمیلی را از سر گذرانید؛ با دخالت دشمن مبارزه کردید؛ مرزها را حفظ کردید؛ استقلال را تامین کردید و تا امروز، در آبادی این کشور سعی کرده‌اید. از امروز به بعد، وظیفه‌ی عمومی این ملت این است که این کشور را هرچه می‌تواند آبادتر و آبادتر کند.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۴/۰۶/۲۹

در باره‌ی هفته‌ی دفاع مقدس- که در آستانه‌ی آن هستیم- لازم می‌دانم مطلبی را مطرح کنم و آن این است که اسلام پیروان خود را به عبرت گرفتن عادت می‌دهد. در قرآن آیات متعددی این نکته را متذکر می‌شوند: «ان فی ذلک لعبره»، «فاعتبروا یا اولی الابصار» و ... این یک درس زندگی است و فقط به معنای این نیست که انسان بتواند با این درس، معاش خود و حیات چند روزه را اصلاح کند و سامان بخشد. درس زندگی یعنی انسان بتواند با این درس هم حیات این نشاه و هم- بالاتر از آن- حیات نشاه‌ی بعد را آباد کند؛ چون اصل آنجاست. تا چشم بر هم بزیند، همه چیز تمام شده است. مهم آن نشاه است که از لحظه‌ی وفات و خروج از این عالم تا قیام قیامت، انسان دچار آن است و زندگی توأم با سعادت یا شقاوت و خوشی یا ناخوشی را مشاهده می‌کند. انسان برای خوشی یک لحظه‌ی این دنیا چقدر زحمت می‌کشد؟ باید برای خوشی ابد خیلی تلاش کند. همه‌ی این‌ها با «عبرت» قابل تامین است و به همین خاطر در قرآن این همه تاکید شده است که عبرت بگیرید.

این جمله‌ی نهج البلاغه خیلی مهم است که: «ان من صرحت له العبر عما بین یدیه من المثلات»؛ هر که بتواند رنج‌ها و بلاها و حوادث و سختی‌ها را به چشم عبرت ببیند: «حجزته التقوی عن تعقم الشبهات»؛ آن قدر از بدی و زشتی و چیزهایی که انسان را دچار بدبختی و نابسامانی می‌کند، روی‌گردان می‌شود که حتی از شبهه‌های آن هم اجتناب خواهد کرد؛ چه رسد به خود آن.

این جنگ هشت‌ساله با مقدمات و موخراتش که تا امروز هم ادامه دارد، یکی از آن صحنه‌های عبرت است. به این صحنه‌ی عبرت نگاه کنیم. قبل از انقلاب، زندگی مردم ایران هم خودش یک صحنه‌ی عبرت بود که آن صحنه امروز هم در نقاطی از دنیا وجود دارد: حکومت‌هایی فاسد، مردمی گرفتار، دنیا و آخرتی فنا شده، دستی گشاده از سوی دشمنان و بدخواهان و لاشخورهای بین‌المللی در زندگی یک ملت و آفاقی بسته و تیره و نار برای انسان‌هایی که در آنجا زندگی می‌کنند و نه دنیا دارند و نه آخرت! قبل از انقلاب وضعیت ما این‌گونه بود و امروز هم در دنیا بعضی از کشورها این‌طورند. از آن عبرت، ملت ایران خوب استفاده کرد. یکی از این استفاده‌ها، همان ایستادگی در میدان جنگ هشت‌ساله بود.

امام بزرگوار ما- که تا ابدالآباد نور و رحمت الهی بر روح مطهر او در حال فیضان باشد- مکرر در طول این سال‌ها می‌فرمود: «دشمن می‌خواهد ایران را به قهقرا برگرداند و همان جایی ببرد که ملت ما حرکت خود را آغاز کرده است و او را در همان حصار گذشته نگه دارد و به منابع و معادن و خیرات و برکات و نیروهای انسانی کشور دست باز کند و برای خود و نوکرانش پول و لذت و ثروت جمع‌آوری کند و ملت ایران را در سیاه‌چال بدبختی‌ای که زندگی می‌کرد، رها کند». مردم سخنان ارزشمند امام را باور کردند و جوانان هم حقیقت را فهمیدند؛ لذا حماسه‌ی آن هشت سال پدید آمد. امروز شما و همه‌ی مردم ایران- و بلکه ملت‌های دیگر- بایستی از آن حماسه درس بگیرید.

در این هشت سال خیلی کارها شد که هنوز عسری از اعشار تلاش‌های ده‌ساله‌ی جوانان و ملت ما و مادران و پدران و خیرخواهان این امت به سلک نگارش در نیامده است و هنوز از آن تلاش‌های بسیار، عده‌ای خبر ندارند. من به جوانان امروز- بخصوص نوجوانان- موکدا توصیه می‌کنم کتابهایی را که شرح و گزارش گوشه‌ای از جنگ هشت‌ساله است، قدر بدانند و آن‌ها را بخوانند؛ زیرا حقایق زیادی در آن کتاب‌ها بازگو شده است. همین خاطراتی که جوانان می‌نویسند و گزارش‌هایی که از آن روزها می‌دهند؛ خواندنی و عبرت‌آموز است.

آنچه که هنوز بیان نشده، به مراتب بیشتر از آن چیزی است که تاکنون بیان شده است. خیلی کارها انجام گرفت؛ لیکن یک جمع‌بندی وجود دارد که جلو چشم همه و مایه‌ی عبرت است. یکی از این جمع‌بندی‌ها- که بارها هم گفته شده ولی هرچه بیشتر تکرار شود بهتر است- این است که در برهه‌ای از زمان، تمام قدرتهای سرباری دنیا تقریباً علیه ایران اسلامی دست به هم دادند. هرچند در ظاهر فقط یک ارتش عراق بود که با ما می‌جنگید؛ اما کارشناسان و جاسوسان و ماهواره‌ها و سلاح‌های آمریکایی و اروپایی بلوک شرق (شوروی آن روز و کشورهای اروپای شرقی) و نیز پول دولتهای اطراف خلیج فارس و نیروهای کارشناس غیر عرب- که بعضی گفته‌اند اسرائیلی‌ها هم در میان‌شان بوده‌اند، ولی من چون یقین ندارم نمی‌خواهم بگویم- دست به هم داده بودند و از عراق جانب‌داری می‌کردند. علاوه بر این‌ها شما می‌دانید در جبهه قرار داشتن فقط به این معنا نیست که انسان با دشمن گلاویز شود؛ در صورتی که فراهم کردن زمینه‌ی نبرد آسان‌تر برای طرف مقابل، کمک زیادی به او می‌کند. مثلاً دو نفر که باهم کشتی می‌گیرند، اگر عده‌ای یک کشتی‌گیر را تشویق کردند و برایش امکانات تدارک دیدند و کار یادش دادند و زیر پایش را صاف و لباسش را مرتب کردند و اگر افتاد زیر بغلش را گرفتند؛ همه‌ی آن‌ها در کشتی داخلند. جنگ عراق با ما شبیه چنین صحنه‌ای بود.

کسانی که سرپا بودند، در جبهه ارتش عراق قرار گرفتند؛ برای اینکه اگر نتوانند بخشی از ایران را جدا کنند و یا نیروهایشان را تا مرکز کشور ما برسانند- صریحاً گفتند که این کار را خواهیم کرد!- و یا منابع نفتی ایران را در جنوب کشور و خلیج فارس تصرف کنند و یا فشار اقتصادی را طوری بر ملت ما وارد کنند که طاقت خود را از دست بدهد. خلاصه اینکه با ده راه و از ده جهت کاری کنند که حکومت اسلام و قرآن سرنگون شود. این هدف آن‌ها بود. یک روز و دو روز هم این کار انجام نگرفت؛ بلکه هشت سال طول کشید و با همین شدت و یکپارچگی جناحهای مختلف، علیه نظام اسلامی تلاش کردند.

نتیجه‌ی همه‌ی اتحادشان این شد که نه یک‌وجه از خاک ایران را نتوانستند جدا کنند و نه نتوانستند نظام انقلابی را تضعیف نمایند و نه نتوانستند بخشی از منابع ایران را بگیرند و نه نتوانستند ایران اسلامی را دچار اضطراب فکری و عقیدتی کنند؛ بلکه به عکس، ایران مستحکم‌تر، حکومت ثابت‌تر، مردم علاقه‌مندتر و افکار دارای رشد بیشتر شد و همه چیز صددرصد در جهت خلاف میل و اراده‌ی دشمن پیش رفت. این یک عبرت و تجربه است. چه دلیلی دارید که اگر در یک برهه‌ی دیگر از زمان بازم همان آمریکا و اروپا و ناتو و همان مرتجعان، دست به دست هم بدهند، نتیجه‌ای غیر از این به دست نیاید؟ چرا بعضی کسان دائماً سعی می‌کنند دشمن را بزرگ کنند و نیروهای عظیم جوشان و خروشان انقلاب را کوچک جلوه دهند؟!

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۴/۱۰/۰۵

باید ملت ایران و شما جوانان مومن و کسانی که در مقابل تحمیلات دشمنان قدرتمند، طعم عزت را چشیده‌اند و می‌دانند عزت یک ملت یعنی چه، در تمام شرایط به دشمن حالی کنند که از مواضع اسلامی و مواضعی که انقلاب به آنان آموخته است، یک سرسوزن عقب نخواهند نشست. شما جوانان مومن و پاسداران عزیز و مجربین میدانهای نبرد و کسانی که فضای شهادت و جهاد را لمس کرده‌اید- بلکه آن را به وجود آورده‌اید- در این مرحله، نقش بسیار مهمی را می‌توانید بر عهده بگیرید. شما باید رفتار و گفتار و تظاهر و اعلان و دل و باطنتان سرشار از ایستادگی و اقتداری باشد که امام بزرگوار ما مظهر آن بود و استقلال و آزادی ایران از بند قدرتهای تجاوزگر، ثمره‌ی شیرین آن است و ان شا الله پیشرفت و رشد پی‌درپی این کشور، ثمرات بعدی آن خواهد بود و آزادی ملت‌های دیگر را که از تجربیات این کشور درس خواهند گرفت، به دنبال خواهد داشت.

بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان / ۱۳۷۵/۰۲/۲۶

امروز هفده سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد. کاری که دشمنان ما در طول این هفده سال، علیه انقلاب و نظام می‌توانستند بکنند و نکردند، کدام است؟! دشمنان ما، هر کاری که ممکن بوده است کرده‌اند. اگر هم به بعضی از کارها دست نزدند، به دلیل فقدان توانایی‌شان در انجام آن‌ها بود. یا ضرورت‌های جهانی ایجاب نمی‌کرد و یا با مشکلات افکار عمومی و ترس مواجه بودند. با این حال، هر کاری می‌توانستند با این ملت بکنند، کردند. امروز که نگاه کنید، می‌بینید بحمد الله ما در میدان سازندگی و در میدان سیاست بین‌المللی جلو هستیم. در همین قضایای چند روز اخیر و افتتاح خط آهن مشهد- سرخس، دیدید که همه آمدند و تعریف کردند. کارهایی چنین را، چه کسی کرد و می‌کند؟ آیا عواملی جز دین و استقلال، قادر به انجام چنین کارهایی هست؟! ملت ایران، در وقتی این کارها را به سامان رسانده که آمریکا و متحدین آمریکا با او دشمن بوده‌اند. بعضی، چنین وانمود می‌کنند که اگر کشوری با آمریکا قهر باشد، دیگر نمی‌تواند در مسیر سازندگی گام بردارد و کاری صورت دهد. پس، کارهایی که ما کردیم چیست؟! ما در دوره‌ی قهر با آمریکا، این کارها را کردیم. همه‌ی این پیشرفت‌ها در زمانی حاصل شد که آمریکا به خون ما تشنه بود. خیلی از این کارهای سازنده، زمانی انجام شد که متحدین آمریکا- بعضی در اروپا، بعضی در آسیا و بعضی در آفریقا- علیه ما خنجر کشیده بودند. آن‌ها گاه از روبرو و گاه از پشت، به ما خنجر هم زدند. درعین‌حال، این همه کار سازنده کردیم. پس، بدانند و عبرت بگیرند. خیال نکنند که ساختن این کشور و پیشرفت آن، متوقف به این است که ما به در خانه‌ی دشمنان خدا- آمریکا و غیر آمریکا- برویم؛ نه. اگر به در خانه‌ی آن‌ها رفته بودیم، این مقدار پیشرفت عاید نشده بود. کم‌اینکه در دوران رژیم شاه، دیدید که این کشور، آبی را هم که داشت از دست داد! کشاورزی داشت، از دست داد! صنعت نداشت، به دست هم نیورد! یک موتناژ دروغین غلطی را در این کشور به وجود آوردند و نامش را «صنعت» گذاشتند که در واقع صنعت نبود. در آن زمان، البته انواع و اقسام فساد و فحشا و منکر را وارد کردند. انواع و اقسام مشروبات الکلی و انواع و اقسام کاباره‌ها و انواع و اقسام تفریحات ناسالم را وارد کردند.

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) / ۱۳۷۵/۰۲/۲۰

یکی از جهادها هم «جهاد فکری» است. چون دشمن ممکن است ما را غافل کند، فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هرکس که در راه روشننگری فکر مردم، تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوفهمی شود، از آنجا که در مقابله با دشمن است، تلاشش «جهاد» نامیده می‌شود. آن هم جهادی که شاید امروز، مهم محسوب می‌شود. پس، کشور ما امروز کانون جهاد است و از این جهت هیچ نگرانی‌ای هم نداریم. الحمد لله مسئولین کشور خوبند. امروز در راس کشور، شخصیت‌های مومن، مجاهد، آگاه و صمیمی قرار دارند. امروز شخصیتی مثل رئیس‌جمهور ما- آقای هاشمی رفسنجانی- که یک شخصیت مجاهد و مبارز است و عمرش را هم در جهاد گذرانده، شب و روز جهاد می‌کند. مسئولین دیگر، در بخش‌های مختلف- مجلس، قوه قضائیه، نیروهای مسلح، آحاد مردم- همه و همه در جهادند و مملکت، مملکت جهاد فی سبیل الله است. از این جهت، بنده که بیشتر سنگینی بارم این است که نگاه کنم ببینم کجا شعله‌ی جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم؛ ببینم کجا اشتباه کاری می‌شود، جلوش را بگیرم- مسئولیت اصلی حقیر، همین‌هاست- از وجود جهاد در وضع کنونی کشور، نگران نیستم. این را شما بدانید! منتها، نکته‌ای بلیغ در قرآن است که ما را به فکر می‌اندازد. قرآن به ما می‌گوید: نگاه کنید و از گذشته‌ی تاریخ، درس بگیرید. حال ممکن است بعضی بنشینند و فلسفه‌یابی کنند که «گذشته، برای امروز نمی‌تواند سرمشق باشد». شنیده‌ام که از این حرف‌ها می‌زنند و البته، برف، انبار می‌کنند! به خیال خودشان، می‌خواهند با شیوه‌های فلسفی، مسائلی را مطرح کنند. کاری به کار آن‌ها نداریم. قرآن که صادق مصدق است، ما را به عبرت گرفتن از تاریخ دعوت می‌کند. عبرت گرفتن از تاریخ، یعنی همین نگرانی‌ای که الآن عرض کردم. چون در تاریخ چیزی هست که اگر بخواهیم از آن عبرت بگیریم، باید دغدغه داشته باشیم. این دغدغه، مربوط به آینده است. چرا و برای چه، دغدغه؟ مگر چه اتفاقی افتاده است؟

بیانات در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی / ۱۳۷۵/۰۶/۲۷

شما جوانان- بخصوص- باید روی این نکته توجه کنید و در نوشته‌های مورخین و گزارشگران مسائل ایران، باید این نکته بیاید؛ که متأسفانه خیلی کم‌رنگ است یا نیست. آن نکته این است که در جنگ بین‌الملل اول، نمایندگان دو، سه کشور از کشورهای مسیحی دنیا، در این حولوحوش حضور ضعیفی داشتند. نمایندگان روسها، انگلیسی‌ها و آمریکاییها هم در این استان حضور داشتند. به چه اسمی؟ به اسم معلم، به اسم پزشک و از این قبیل. درست توجه کنید! باینکه این کشورها در سیاست‌های مختلف، به شدت با یکدیگر معارضه و دشمنی داشتند، اما در این نقطه‌ی از دنیا، ناگهان به فکر افتادند که به کمک یکدیگر، یک پایگاه استعماری به مرکزیت همین منطقه‌ی ارومیه و خوی و ماکو و به وجود آورند. یعنی شبیه آن چیزی که بعدها در فلسطین اشغالی به وجود آمد. منتها آنجا به اسم یهودی‌گری، اینجا به اسم مسیحیت!

مردم این استان سال‌های متمادی، در کنار جمعی از هم میهنان مسیحی ما زندگی می‌کردند؛ امروز هم زندگی می‌کنند؛ در آینده هم زندگی خواهند کرد- مثل برادر و خویشاوند- باهم هیچ مشکلی هم، نه آن روز داشتند، نه امروز دارند و نه در آینده خواهند داشت. یعنی در این استان، تعدادی از هم میهنان ایرانی ما، از آشوری و ارمنی و مسیحیان کاتولیک و پروتستان، حضور دارند؛ آن روز هم بودند. مسلمانان هم با آن‌ها دوستانه، آن‌ها هم با مسلمانان برادرانه و دوستانه رفتار می‌کردند. بین آن‌ها هیچ مشکلی وجود نداشت. اما نکته‌ی عبرت‌آموز این است که نمایندگان کشورهای خارجی و استعمارگر، چون دیدند تعدادی مسیحی در این استان وجود دارد، به طمع افتادند که شاید بتوانند با تحریکات مذهبی و فرقه‌ای و دینی، پایگاهی از مسیحیت در این بخش از ایران به وجود آورند و این بخش را از ایران جدا کنند.

بیانات در دیدار جمعی از اینارگران و خانواده‌های شهید / ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

بزرگترین گناه سردمداران و سلاطین و حکام فاسد در جوامع بشری و در گذشته‌های ایران عزیز ما این بوده است که مردم را از این حقیقت بیگانه نگاهداشتند و آن‌ها را به سمت کار و تلاش و فداکاری و اینار سوق ندادند. بزرگترین افتخار انقلاب اسلامی آن است که این درس را به مردم داد، این راه را در مقابل مردم باز کرد و امام راحل و بزرگوار آن رهبر عظیم‌الشان استثنایی بی‌نظیر زمان ما بزرگترین افتخارش این بود که خود در این راه پیش‌قدم بوده و حرکت کرده است. ننشست که به دیگران بگوید شما بکنید. خودش در پیشاپیش حرکت عمومی ملت ایران و جلوتر از همه راه افتاد. شما عزیزان، محصول چنین فضای مبارکی هستید.

بیانات در دیدار جمعی از پرستاران / ۱۳۷۶/۰۶/۱۹

نکته‌ی قابل توجهی هم به مناسبت هفدهم شهریور عرض کنم، که این روزها، روزهای ماندگاری در تاریخ ماست. من از روز هفدهم شهریور سال ۱۳۵۷ خاطره‌های در ذهن دارم. قبل از آنکه این حادثه‌ی خونبار در تهران اتفاق بیفتد، سیاست رژیم ستم‌شاهی به دنبال این بود که مبارزان و به تبع آن ملت ایران را، به تندرو و کندرو، افراطی و معتدل تقسیم کند. این، نکته‌ی خیلی قابل توجهی است که امروز مثل آینه‌ی، همه‌ی عبرت‌ها را به ما درس می‌دهد. کسی که روزنامه‌های آن وقت و اظهارات مسئولان رژیم ستم‌شاهی را مطالعه می‌کرد، می‌فهمید که این‌ها می‌خواهند کسانی را که در مقابل آن‌ها هستند و مبارزه می‌کنند، از هم جدا کنند. عده‌ای را که طرف‌داران و علاقه‌مندان مخلص امام بودند و راه امام را علنا اظهار می‌کردند، به عنوان تندرو و افراطی و متعصب معرفی می‌کردند. در مقابل این‌ها هم، بعضی از کسانی را که علاقه‌مند به مبارزه بودند، ولی خیلی جدی در آن راه نبودند، یا جدی بودند، ولی دستگاه آن‌طور خیال می‌کرد این‌ها جدیتی ندارند، به عنوان افرادی که معتدلند و با این‌ها می‌شود مذاکره و صحبت کرد، معرفی می‌کردند. من در آن روز این احساس خطر را کردم. آن زمان من در جیرفت تبعید بودم. شاید روز چهاردهم یا پانزدهم شهریور بود. به یکی از آقایان معروف که در قم بود، نامه‌ای نوشتم و این سیاست رژیم را برای آن آقا تشریح کردم و گفتم این‌ها با این تدبیر خیانت‌آمیز می‌خواهند بهانه‌ای برای سخت‌گیری بر مخلصان و عشاق امام بزرگوار به دست آورند و شما را بدون اینکه خودتان بخواهید، در مقابل آن‌ها قرار دهند. این نامه را نوشته بودم؛ اما هنوز نفرستاده بودم. روز شنبه هجدهم شهریور بود که رادیو و روزنامه‌ها، خبر کشتار هفدهم شهریور را پخش کردند. فردای آن روز، ما در جیرفت از این قضیه مطلع شدیم. من برداشتم در حاشیه‌ی آن نامه برای آن آقا نوشتم که: «باش تا صبح دولتت بدمد، کاین هنوز از نتایج سحر است». آن نامه را به وسیله‌ی مسافر، برای آن آقای محترم فرستادم. آن‌ها شروع کردند سخت‌گیری‌ها را علیه مبارزان و انقلابیون حقیقی راه انداختن که نمونه‌اش کشتار هفدهم شهریور بود.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۷۷/۰۶/۰۲

همان‌طور که آقای خاتمی فرمودند، انتخاب این هفته و این مناسبت برای دولت، معنادار است و معنای آن هم همین است که این دولت بر روی این پایه‌های مستحکم و استوار اینار و فداکاری و اخلاص بنا شده و ملت عزیز ایران در تاریخ پرمجاری انقلاب، چنین شخصیت‌هایی را در مسند خدمت به خود مشاهده کرده است. انسانهای پرشور و با اینار و با اخلاص و بی‌توجه به دستاورد شخصی از خدمت خودشان، در تاریخ این انقلاب پرشکوه وجود داشته‌اند؛ هم در راس دولت مثل این دو بزرگوار و هم در سایر بخشها، مثل شهید «عراقی» که ایشان هم در همین روزها ذکر یادشان تکرار می‌شود، و همچنین شهید «لاجوردی» که دیروز به شهادت رسیدند. این سید بزرگوار هم، در نوع همان مردان با اینار مثل شهید رجایی و آن نوع انسانهای فداکار بود؛ چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب. این‌ها برای ما درس است. این یک جریان است که بحمد الله امروز هم دولت جمهوری اسلامی و مسئولان، در همین مجرا و در همین مسیر حرکت می‌کنند.

بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهدا (ع) / ۱۳۷۷/۰۷/۲۶

خدا را شکرگزاریم که جوانان مومن و انقلابی این کشور، در لشکرهایی از این قبیل، حجتی شدند بر بسیاری از دیرباوران که تصور می‌کردند در دوران آغشته به فساد و آلوده به گرفتاریهای مادی که جوانان دنیا به صدها ابتلاک روحی و جسمی و عاطفی و عصبی و فسادهای مختلف گرفتار هستند نمی‌شود جوان یا مجموعه‌ای از جوانان، با دل نورانی، با روح آزاد و با ایمان قوی، راهی را بیامانند که برای انسانهای دیگر آسوه باشد و غیر جوانان به آن‌ها اقتدا کنند و از آن‌ها درس بگیرند. بحمد الله جوانان ما و امثال شما، در این لشکرهای پرافتخار و نورانی، این حقیقت را ثابت کردید که همچنان که دین خدا همیشه زنده است، گوهر انسانیت هم که خلق بزرگ الهی است همیشه زنده است و در شرایط مختلفی، انسانهای مصفا و نورانی و پاک و برجسته و برگزیده، می‌توانند پرورش پیدا کنند و دیگران را به این راه بکشانند و حجت بر دیگران شوند.

بیانات در دانشگاه دریایی امام خمینی(ره) و دانشگاه دریایی سپاه / ۱۳۷۸/۰۲/۲۹

شجاعت، یعنی همان عنصر کارآمدی که ملت ایران را از دوران خاموشی و ذلت و توسری‌خوری جهانی به دوران زندگی در عرصه‌ی مقتدای ملتها منتقل کرد. شما بدانید ملتها در همه‌ی ادوار تاریخ، هر ضربه‌ای که می‌خورند، از احساس ضعف و ذلت و انهزام درونی است؛ هر کامیابی هم که به دست می‌آورند، از قدرت ابتکار و شجاعت و مرعوب نشدن در مقابل قدرتهای استکباری مرعوب‌کننده است. امروز قدرتهایی که می‌خواهند باج‌گیر همه‌ی دنیا باشند و ژاندارم همه‌ی مناطق عالم به شمار آیند؛ قدرتهایی که برای ملتها حق حیات و حق انتخاب قائل نیستند؛ قدرتهایی که همه‌ی ارزشهای شیرین را برای خودشان و نه برای انسانها می‌خواهند؛ در سایه‌ی مرعوب کردن است که می‌توانند این مقاصد شیطانی را محقق کنند. ملت ایران مرعوب نشد. رهبر عظیم‌الشان و بی‌نظیر ما در دوران انقلاب و در طول حیاتش مرعوب نشد. این درس برای ملت ایران ماند. قدرتهای استکباری به انواع شیوه‌ها می‌خواهند ملتها و دولتمردان و مسئولان و نظامیان و آحاد ملت را در مقابل هیمنه‌ی خودشان دچار رعب و تردید کنند. یک ملت اگر دچار تردید شد، رفتنی و پامال شدنی است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۸/۰۵/۰۸

ملت بزرگ ایران! ای نمودار عظمت و قدرت اسلام در این روزگار! ای جوانان! ای زن و مرد! ای دل‌های مومن! ای روحهای گرم! دست خدا را در این حادثه ببینید. خطاست اگر کسی گمان کند ملت ایران که به میدان آمد، یا نیروهای مومنی که آن‌گونه قدرت‌مندانه ظاهر شدند، به خاطر حرف فلان و بهمان بود؛ نه، فلان و بهمان چه کسی هستند؛ من و امثال من چه کسی هستیم؟ این، اراده و دست قدرت خداست؛ این همان دست قدرت و عظمتی است که بیست سال است علی‌رغم همه‌ی دشمنیها، این ملت و این نظام و این انقلاب را پیش می‌برد. بازهم پیش خواهد برد؛ بازهم از این ملت دفاع خواهد کرد؛ بازهم دشمنان را سرکوب خواهد کرد؛ اما من و شما باید درس بگیریم. هر ملتی که از حوادث درس گرفت، پیروز و موفق خواهد شد. من در اینجا چند نکته را به عنوان درس یادداشت کرده‌ام که عرض کنم و صحبت‌ها را که طولانی هم شد تمام کنم. درسهای این حادثه، درسهای متعددی است و برای همه هم هست:

اولین درس را دشمنان ما بگیرند. مشیت به سندان نکوبند؛ با اسلام درنیفتند؛ با نظامی که متکی به توده‌های میلیونی ملت است، درنیفتند؛ فایده‌ای ندارد. درس دوم برای عموم ملت است. ملت عزیز ما دشمنان را بشناسد که می‌شناسد بداند که سلاح اصلی و سلاح فائق و سلاح برتر ما عبارت از ایمان، وحدت و هوشیاری است. ایمانان را حفظ کنید، وحدتتان را حفظ کنید، هوشیاریتان را حفظ کنید. اگر این باشد، هیچ دشمنی نمی‌تواند به شما آسیب بزند. درس سوم برای مسئولان است. مسئولان قدر این ملت را بدانند. رفع مشکلات این ملت را، هدف حقیقی و دائمی خودشان قرار دهند. هرچه تلاش می‌کنند، اگر این تلاش را مضاعف کنند، جا دارد. این مردم ارزشش را دارند که انسان برایشان همه‌ی هستی خودش را مایه بگذارد. مسئولان عزیز دولت، مجلس، قوه‌ی

قضائیه، نیروهای مسلح، همه و همه هرچه می‌توانید، به این مردم خدمت و برای آن‌ها کار کنید. این مردم خیلی باارزش و خیلی شریفند. بدانید که این نظام با اتکال به این مردم، از هر کوهی استوارتر و محکم‌تر است.

درس چهارم به دانشجویان است. دانشجویان عزیز! ببینید که دشمن در محاسبات خود عنصر دانشجو را وارد می‌کند. البته از مدتی پیش وارد کرده است؛ اما حالا دشمن به صورت عملی می‌خواهد با عنصر دانشجو، بازی کند. هوشیاری شما، آگاهی شما، ایمان شما و دقت نظر شما باید دشمن را ناکام کند. هرچه می‌توانید، در موضع یک انسان آگاه و هوشیار عمل کنید. مملکت متعلق به شماست. ما که رفتنی هستیم؛ نسل شماست که این مملکت را می‌گیرد. پدران و نسل قبل از شما توانستند این کشور را از چنگ غارتگران خارجی و عمدتاً امریکایی خارج کنند. آن‌ها هنوز هم دست و پا می‌زنند، پنجه می‌کشند و تلاش می‌کنند! این شما هستید که باید خودتان را مجهز کنید و کشورتان را نگهدارید. نگذارید این کشور، این منابع، این قدرت عظیم و این منطقی حساس به دست دشمن بیفتد. خودتان را آماده کنید.

درس پنجم، درس به خطوط سیاسی است. من خطوط سیاسی را از یک منظر نگاه می‌کنم. برای من اسمها اهمیت ندارند؛ برای من مغزها و دلها و عملها اهمیت دارند. هرکسی که به اسلام و ارزشها، به امام، به مصالح ملی و به سرنوشت این کشور بیشتر علاقه نشان دهد، او برای من عزیزتر است؛ متعلق به هر خطی باشد؛ متعلق به هر جماعتی باشد؛ متعلق به هر جریان سیاسی‌ای باشد. سعی کنید خودتان را با این معیارها تطبیق دهید. ملت این را از شما می‌خواهد. ملت، اسلام را می‌خواهد. ملت، حاکمیت و اقتدار اسلامی خود را می‌خواهد. به دشمن و ایادی او اعتماد نکنید. این بد حالتی است که انسان ببیند در داخل خطوط سیاسی، با خط مقابل خودشان خصمانه رفتار کنند؛ اما مرزهای خودشان را به روی دشمن باز بگذارند! من این را نمی‌پسندم؛ این را ملت نمی‌پسندد؛ به جرات می‌توانم بگویم که این را خدا هم نمی‌پسندد.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۷۸/۱۱/۱۳

ملت ایران در انقلاب خود یک حرف بزرگ زد و آن حرف این بود که ایران و ایرانی نمی‌خواهد دیگر زیر بار سلطه بیگانگان برود این بیگانگان، می‌خواهد امریکا باشد؛ می‌خواهد انگلیس باشد؛ می‌خواهد شوروی آن روز باشد می‌خواهد مستقل بماند. آن‌ها با این استقلال‌طلبی ملت ایران کینه می‌ورزند و دشمنند و می‌دانند که این استقلال ملت ایران ناشی از روح دینی و از اسلام است؛ پس با اسلام هم دشمنی می‌کنند. هرکس که به اسلام نزدیک‌تر و روح استقلال در او قوی‌تر باشد، دشمنی آن‌ها با او بیشتر است. این دشمنیها، این بدخواهیها، این کینه‌ورزیها بیست‌ساله، به‌خاطر این‌هاست. ولی ملت ایران محکم و استوار ایستاد و به ملت‌های دیگر هم درس داد.

بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) / ۱۳۷۹/۰۱/۰۶

امروز در دنیا بسیار تلاش می‌شود که بین شیعه و سنی اختلاف بیفتد. البته کسانی که اهل فکر و تحلیلند، می‌دانند که استکبار از این کار چه فواید و منافعی می‌برد. هدفشان این است که ایران را از مجموعه کشورهای اسلامی جدا کنند؛ انقلاب اسلامی را مخصوص مرزهای ایران کنند؛ فشار روی ایران را از سوی کشورهای اسلامی دیگر زمینه‌سازی کنند و از درس‌آموزی ملت‌های دیگر از درسهای ملت ایران جلوگیری نمایند. ما باید درست نقطه‌ی مقابل عمل کنیم. هرکس چه در محیط سنی و چه در محیط شیعه به همدلی و ارتباطات حسنه و دوستانه بین شیعه و سنی کمک کند، او به نفع انقلاب و اسلام و هدفهای امت اسلامی کار کرده است. هرکس هم سعی در جدایی کند، درست نقطه‌ی مقابل آن حرکت کرده است.

بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی(ره) / ۱۳۷۹/۰۲/۱۲

مسئله به پیروزی انقلاب ختم نشد. بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، در تجربه‌های گوناگون، در میدانهای مختلف، در حملات گوناگون سیاسی و نظامی و اقتصادی که به این ملت شد، همین درس بزرگ و فراموش‌نشدنی قرآن که امام عزیز و بزرگوار ما تجسم این درس بود و آن را برای ما تکرار می‌کرد به کار ملت ایران آمد. در جنگ تحمیلی، در مقابله با قدرتهای استکباری و در همه‌ی مسائل سیاسی، ملت ما از این درس بزرگ استفاده کرد. امروز شما نگاه کنید؛ در کشور لبنان یک‌بار دیگر همین درس تکرار شده است.

بیانات در دیدار مسئولان قوه قضاییه و خانواده‌های شهدای هفتم تیر / ۱۳۷۹/۰۴/۰۷

یک جمله درباره هفتم تیر عرض کنم. مهم‌ترین چیزی که در این حادثه همه دلها و چشمها را به خود مشغول کرد، این بود که ضربه‌های خصمانه دشمن بر پیکره انقلاب هرچه سنگین‌تر باشد، جوشش ایمان و صلابت صبر و استقامت در مردم بیشتر خواهد شد. هفتاد و چند نفر از مدیران برجسته‌ای که در میان آن‌ها شخصیتی مثل شهید بهشتی حضور داشت، یکجا به‌وسیله دشمن از نظام اسلامی گرفته شدند؛ آن هم با آن وضع فاجعه‌آمیز و حزنانگیز. عکس‌العمل این انقلاب و این ملت چه بود؟ مردم، با ایمان و باصلابت صبر و استقامت خودشان و آن خانواده‌های معظم با شکیبایی و بردباری مومنانه‌شان، توانستند چنان پاسخی به دشمن بدهند که در محاسبات مادی و در هیچ وضعیتی قابل گنجاندن نبود و نیست. انقلاب را بیمه کردند. دشمن را مطرود کردند و نام ملت ایران را بلند آوازه کردند. همیشه همین‌طور است. تا وقتی که ایمان و صبر و هوشیاری و بردباری مردم ذخیره ارزشمند این انقلاب و این نظام است. دشمن از وارد آوردن ضربه به این نظام و این انقلاب هیچ طرفی نخواهد بست و هیچ سودی نخواهد برد و انقلاب مستحکم‌تر خواهد شد. شهید بزرگوار ما مرحوم آیت‌الله بهشتی یک شخصیت نمونه و ممتاز در نظام اسلامی بود که در این حادثه از دست ما گرفته شد؛ اما هم یاد او زنده ماند و هم خون او و یارانش انقلاب را پایدار کرد و این درس بزرگ برای انقلاب ماند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم / ۱۳۷۹/۰۷/۱۲

نمونه‌ی دوم، خود حکومت رضا خان است. انگلیسی‌ها قراردادی را با دولت قاجار به میان گذاشتند که براساس آن قرارداد، تمام مسائل مالی و تمام مسائل نظامی کشور ایران در قبضه انگلیسی‌ها قرار می‌گرفت. مرحوم سید حسن مدرس، آن عالم آگاه، با این قرارداد مخالفت کرد و نگذاشت این لایحه در مجلس شورای ملی آن روز تصویب شود. بعد که انگلیسی‌ها از اینجا محروم شدند و دیدند نمی‌شود این‌طوری عمل کرد، به فکر تازه‌ای افتادند. فهمیدند باید در ایران یک دیکتاتور را بر سر کار بیاورند تا امثال مدرسه‌ها را قلع‌و‌قمع کند؛ با مردم با کمال خشونت رفتار کند؛ خواسته‌های انگلیس را اعمال کند. لذا رضا خان را بر سر کار آوردند. ماجرای به سلطنت رسیدن رضا خان در ایران، یکی از ماجراهای بسیار عبرت‌انگیز تاریخ ماست. ماجرای است که همه‌ی جوانهای این کشور، امروز باید بدانند. هرچومرغ قبل از رضا خان، به وسیله‌ی مشت پولادین رضا خان و با کمک دولت انگلیس از بین رفت و یک نظم تحمیلی و استبدادی در کشور به وجود آمد که پنجاه و پنج سال ادامه پیدا کرد. نفوذ انگلیس در دستگاه‌های سیاسی و فرهنگی کشور ما، مردم را تحت فشار قرار داد.

بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی / ۱۳۷۹/۰۷/۱۸

ایران عزیز ما و نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت بزرگی که در این منطقه‌ی پرافتخار زندگی می‌کنند، می‌توانند برای دنیا الگو باشند؛ همچنان که از بعد از انقلاب تا امروز در میدانهای مختلف الگو بوده‌اند. این را بدون هیچ تردیدی بدانید که ملت فلسطین همین امروز که با شجاعت کامل در حال مبارزه است، ملت ایران را و درس ایران را، درس فراموش‌نشدنی خود و الگوی فراموش‌نشدنی خود به حساب می‌آورد و این را، هم دوستان شما در سراسر عالم که بسیاریند، و هم دشمنان شما که مراکز قدرت استکباری‌اند، به‌خوبی می‌دانند. فلسطین، امروز با نام خدا به مبارزه‌ی بابرکت و پرشکوه خود ادامه می‌دهد. یک‌بار دیگر غلبه‌ی

اراده‌ی انسان‌هایی که دل در گرو ایمان به خدا و اعتقاد به خود دارند، بر همه‌ی قدرتهای مادی، بارز و واضح خواهد شد. دنیا خواهد دید که ملت فلسطین در سایه‌ی استقامت، گام‌به‌گام به سمت هدفهای خود پیش خواهد رفت. فلسطین متعلق به ملت فلسطین است. امروز این ملت در میدان است. در دنیای اسلام هم غوغایی است از هیجانی که این ملت در فضای بین‌المللی با ایستادگی شجاعانه‌ی خود آفریده است.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش / ۱۳۸۱/۰۴/۲۶

چند جمله‌ای هم در باره‌ی خصومت‌هایی که با جمهوری اسلامی می‌شود، عرض کنم. این خصومتها به خاطر این است که ملت ایران به برکت اسلام و انقلاب خواسته است روی پای خود بایستد، به دیگران تکیه نکند و تسلیم چشم و گوش‌بسته‌ی قدرتهای جهانی نباشد. بیانی‌ی اخیر رئیس‌جمهور امریکا برای ملت ما و ملت‌های جهان و بخصوص آگاهان و صاحبان مذاقه‌ی سیاسی در پدیده‌هایی از این قبیل، بسیار هشیارکننده است. ببینند، عبرت بگیرند و بفهمند که دشمنان، بیگانگان و طمع‌ورزان در باره‌ی این ملت چه فکر می‌کنند. جرم این ملت فقط همین است که عرض کردیم؛ چون می‌خواهد مستقل و خارج از کمند سلطه‌ی این و آن، روی پای خود بایستد و زندگی کند- که این هم به برکت ایمان به خداست- «و ما تقموا منهم الا ان یومنوا بالله العزیز الحمید»؛ می‌خواهند از این ملت انتقام بکشند. این بیانی‌ی نشان‌دهنده‌ی سردرگمی مسئولان و سیاستمداران و طراحان سیاسی امریکا در مقابل این ملت و این انقلاب است. آنها حقیقتاً سردرگمند و نمی‌دانند چه کار کنند. به آب و آتش می‌زنند، این طرف و آن طرف می‌چرخند، لحن خود را عوض می‌کنند و به خیال خود برای اغوای فکر جمعی ملت ایران، ترندهای سیاسی به کار می‌زنند؛ اما همه‌اش بی‌نتیجه است.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

این جلسه گرم و صمیمی نیز مثل بقیه‌ی ابتکاراتی که مردم قم و حوزه‌ی علمیه‌ی قم در دوران انقلاب و نهضت عظیم اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی از خود بروز دادند، مشحون از صفا و صمیمیت و نشانه‌های ایمان است. بسیاری از شما جوانان عزیز که در این جلسه حضور دارید، حادثه‌ی پر حماسه‌ی نوزدهم دی را ندیدید؛ کما اینکه اکثر شما شاید حادثه‌ی بزرگ و تعیین‌کننده‌ی فیضیه‌ی قم را در سال چهل و یک ندیدید. شما از این حوادث فقط خبری شنیده‌اید و در آنها حضور نداشتید؛ لیکن حوادث بزرگ و مقاطع تاریخی، برای همه شیوا و مهم و درس‌آموز است، نه فقط برای کسانی که در آنها حضور داشتند؛ چون حادثه‌ی بزرگ شروع یک حرکت و آغاز یک راه و بهار یک مجموعه از زندگی جامعه و انسان است.

بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی / ۱۳۸۲/۰۴/۰۷

شهید عزیز ما، مرحوم بهشتی هم بزرگترین امتحانش این بود. آن مقداری که در آن دوره به این سید بزرگوار نورانی ارزنده‌ی برجسته، دست‌های تبلیغاتی دشمن تهمت زدند، به کمتر کسی از عناصر انقلاب در طول زمان این همه اهانت‌های خصمانه و بغض‌آلود کردند. گفتند انحصارطلب است، متکبر است، قدرت‌طلب است، دنبال دیکتاتوری است؛ اما او راه خود را با قدرت و قوت طی کرد. البته جان خودش را گذاشت؛ اما در واقع با استقامت در این راه، جان و حقیقت و هویت خودش را به عرش اعلی رساند. همه‌ی این‌ها برای ما درس است. اولین توصیه‌ی ما به قوه‌ی بسیار مهم و موثر قضائی این است که هدف را درست انتخاب کند؛ راه را برطبق موازین انتخاب کند؛ قدم در آن راه بگذارد و با قوت و اعتماد به نفس و اتکال به خدا پیش برود و ملاحظه‌ی این را نکند که یک عده جوسازی و بدی و موزگی و بی‌انصافی می‌کنند. خدای متعال این‌ها را اصلاح خواهد کرد؛ این اساسی‌ترین کاری است که قوه‌ی قضائیه- که بحمد الله موفقیت‌های زیادی داشته است- در ادامه‌ی این راه برای رسیدن به قله‌ی قضای اسلامی باید در نظر بگیرد و پیش برود.

بیانیه مناسب آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی / ۱۳۸۲/۰۳/۰۶

وظیفه‌ی خود می‌دانم که تفضل الهی را در برپائی بهنگام مجلس و حضور پرشور مردم در انتخابات اول اسفند از اعماق دل شکر گویم. پیروزی مردم بر توطئه‌ی پیچیده و استکباری «تاخیر مجلس»، پدیده‌ای فراموش‌نشده‌ی و سرشار از عبرت‌ها برای امروز و فردای نظام اسلامی است و جز با تفضل ویژه‌ی پروردگار به دست نیامد. کمک و همراهی مسئولان و دست‌اندرکاران انتخابات در وزارت کشور و شورای محترم نگهبان و تلاش مجاهدت‌آمیزی که مبدول داشتند، زمینه‌ساز این عنایت معنوی و الهی بود، و تشکر از یکایک آنان وظیفه‌ی حتمی و همیشگی این‌جانب است.

بیانات در پایگاه هوایی شهید نوزه همدان / ۱۳۸۲/۰۴/۱۸

این پایگاه خدمات بسیار باارزشی را در دوران دفاع مقدس به کشور و ملت ایران تقدیم کرده است. علاوه بر شهید نوزه و علاوه بر شهید دوران، شهدای باارزش دیگری از این پایگاه و از مجموعه‌ی نیروهای مسلح در این منطقه بسیار حساس، نام خودشان را در فهرست افتخارات پایان‌ناپذیر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ثبت کرده‌اند. ما به این عزیزان افتخار می‌کنیم؛ نام آن‌ها را گرامی می‌داریم. برای ما شخصیت‌هایی مثل شهید بابایی، شهید اردستانی، شهید خضرائی- که مدتی فرمانده این پایگاه هم بود- و شهدای باارزش و بزرگوار دیگر در نیروهای مسلح یقیناً فراموش‌نشده‌ی هستند؛ ولی نیروهای مسلح خودشان را در آن گذشته‌ها متوقف نخواهند کرد و نباید بکنند؛ گذشتگانی که با ایمان، آگاهی و شجاعت و فداکاری خود ما را در پیمودن این راه بسیار پرافتخار، راه عظمت اسلام و ایران، یاری کردند، برای ما درس‌های فراموش‌نشده‌ی از خود به یادگار گذاشته‌اند. وظیفه‌ی ما این است که از این درس‌ها بهره بگیریم. ما باید با توجه به موقعیت خودمان، با توجه به نیازهای کشور، با توجه به تهدیدهایی که علیه ما و منافع کشور در هر دوره‌ی وجود دارد، وظیفه‌ی خودمان را تشخیص بدهیم و با تقویت روحی و جسمی، خودمان را آماده‌ی ادامه‌ی آن راه پرافتخاری بکنیم که شهیدان عزیز ما به قیمت جان خودشان به روی ما گشودند.

بیانات در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش / ۱۳۸۲/۰۷/۲۳

جوانان، این ملت بزرگ و این زن و مرد غیور و مومن در این کشور، در همه‌ی شرایط، راه را بر سلطه‌ی دشمن می‌بندند و دشمن را بار دیگر و برای چندمین بار ناکام می‌گذارند. نظامیگری در یک چنین نظامی، مایه‌ی افتخار است و به نظامیگری خود بی‌الید و افتخار کنید. به لفظ اکتفا نکنید؛ در عمل، نظامی مومن- یعنی مجاهد فی سبیل الله- باشید. شرط مجاهد، آماده بودن است. با دانش و فن و تجربه و پیشرفت‌هایی که ذهن بشر در همه‌ی اقطار عالم به آن دست یافته است، خود را آشنا و مجهز کنید و به دیگران نیز بیاموزید؛ ذهن‌هایتان را پیچیده کنید و از تجربه‌های دوران دفاع مقدس حد اکثر استفاده را بکنید. در آن روز، همین نیروی هوایی و همین ارتش و سپاه و بسیج، با امکانات کم، با محاصره‌ی اقتصادی و با تحریم عمومی توانستند در مقابل جبهه‌ای بایستند که اگرچه صفوف مقدمش نظامیان یعنی صدام بودند؛ اما صفوف موخر آن، همه‌ی قدرتهای نظامی شرق و غرب بودند و پشتیبانی فنی و علمی و اطلاعاتی و سازماندهی و مدیریتی از سوی آن‌ها انجام می‌گرفت. در مقابل چنین جبهه‌ی وسیعی، ما توانستیم به همت جوان‌هایمان، به همت بسیج‌مان، سپاهمان، ارتش‌مان، خلبانان و فنی‌های شجاع‌مان و عناصر کارآمد رسته‌های مختلف نیروهای مسلحمان بر دشمن پیروز شویم. از این تجربه درس بگیرید و با آن آشنا شوید. حضور در ارتش را مغتنم بشمارید.

بیانات در دیدار مردم استان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

امروز شما ببینید در همین قضیه‌ی انرژی هسته‌ای- که سعی می‌کنند در دنیا جنجال کنند- وضعیت دنیا نسبت به ما چیست؛ بخصوص وضعیت کشورهای آسیا و خاورمیانه و کشورهای اسلامی. حالا آمریکاییها مثل همیشه دهانشان را باز می‌کنند، چشمشان را می‌بندند و هرچه به دهانشان می‌آید، می‌گویند: دنیا با غنی‌سازی ایران مخالف است (!) نه، شما ببینید که دنیا را نمی‌شناسید؛ دنیا را نمی‌بینید. ملت‌های دنیا که هیچ، حتی دولت‌های دنیا که نشانه‌ی آن بیش از صد کشور

غیر متعهد و حدود پنجاه کشور اسلامی است که در کنفرانس اسلامی و در جنبش عدم تعهد گرد آمده‌اند و چند مجموعه‌ی دیگر که اکثریت قاطع کشورهای دنیا هستند، همه طرفدار این هستند که انرژی هسته‌ای از انحصار چند قدرت مدعی و طلبکار جهانی بیرون بیاید و ملت ایران را برای اینکه در این راه شجاعانه ایستاده، از ته دل تحسین و تشویق می‌کنند. ملت ایران در راه افتخار خود، با قدرت و با نشاط و با تلاش- با این نسل فرزانه و فهمیده و آگاهی که امروز بحمد الله روز به روز در حال رشد است- (این نسل جوان عزیز ما) تفکرات خودش را، که بافته‌های ذهنی دنیای غرب را به چالش کشیده و زیر علامت سوال برده، روز به روز رشد خواهد داد و عمق خواهد بخشید و آنها را مثل هدایای معنوی ارزشمندی به دنیای اسلام و ملتهای مسلمان تقدیم خواهد کرد؛ و جبهه‌ی استکبار مجبور است عقب‌نشینی کند. این، وضعی است که بحمد الله ما از اول انقلاب تا امروز داشته‌ایم و چشم‌اندازی است که برای آینده می‌بینیم؛ این، درسی برای خود ما دارد و درسی هم برای دشمنان؛ آنها هم باید درس بگیرند، اما خود ما هم باید درس بگیریم.

این، وضعی است که بحمد الله ما از اول انقلاب تا امروز داشته‌ایم و چشم‌اندازی است که برای آینده می‌بینیم؛ این، درسی برای خود ما دارد و درسی هم برای دشمنان؛ آنها هم باید درس بگیرند، اما خود ما هم باید درس بگیریم.

درسی که خود ما باید بگیریم این است که بدانیم علاج همه‌ی دردهای یک ملت، تلاش و کار است؛ کار متکی به ایمان و امید، علاج همه‌ی دردهای یک ملت است. ملت بی‌کار، ملت تنبل، ملت کسل، ملت ناامید و ملتی که بگوید: «ای آقا! از دست ما چه کاری برمی‌آید، آنها هر کار که بخواهند، می‌توانند بکنند»، چنین ملتی به جایی نخواهد رسید. آنچه ما به دست آورده‌ایم، به خاطر این بوده است که ملت ما در این مدت، این روحیات را- که در طول دهها سال سعی کرده بودند در او تزریق کنند- بکلی دور ریخت. ملت ما ملتی است با امید و مومن. این که انسان احساس عجز نکند، غلط است؛ این که انسان حوصله‌ی کار کردن نداشته باشد، غلط است. جوان باید کار کند، محصل باید کار کند، دانشجو باید کار کند، روحانی باید کار کند، صاحب سرمایه باید کار کند، کارگر باید کار کند؛ هر کدام کار خودشان را بکنند. فعال صنعتی و فعال کشاورزی باید تلاش کنند؛ فعال سیاسی و اجتماعی باید تلاش کند؛ همه این‌ها به سمت هدف سربلندی و پیشرفت روزافزون این ملت و این کشور است. وقتی این‌طور شد، همه چیز پیش خواهد رفت.

بیانات در دیدار نخبگان جوان / ۱۳۸۶/۰۶/۱۳

در دهها قضیه از اول انقلاب تا امروز، ما در مقابل زورگوئیها، قلدریها، گردن‌کلفت‌ها، صدا کلفت کردن، اخم نشان‌دادن، بین‌المللی، ایستاده‌ایم؛ فهمیده‌اند که ما زیر بار نمی‌رویم. ولی این زورگوئیها هست. این زورگوئیها به خاطر چیست؟ به خاطر اینکه آن طرف مقابل، مسلح به علم است. ببینید این برای شما جوانها خیلی عبرت‌انگیز است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۶/۰۶/۲۳

سرکوب انقلاب و شکست انقلاب- که یک پروژه‌ی استکباری بود- در این منطقه شکست خورده است و بعکس، مهاجمین به انقلاب، حتی در حجم دولت حجیم و قدرت‌مندی مثل آمریکا، روز به روز به شکست و انزوا نزدیک‌تر می‌شوند. امروز ما نشانه‌ها و علائم واضح شکست را در سیاستهای امریکائی در منطقه مشاهده می‌کنیم. این‌ها برای ملت ما و برای جوانان ما و برای تحلیلگران ما سرفصل‌های مهمی است که باید روی آن واقعا تدبیر کنند. یعنی بحث عظیم مواجهه‌ی نیروهای مردمی متکی به معنویت با نیروهای مادی متکی به زور و تهدید، یک بحث بسیار مهم و جدیدی است که باید در مباحث علوم اجتماعی و روان‌شناسی ملتها و روان‌شناسی اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد؛ این کاملا مغفول عنه است. ملتی مثل ملت ما که نه بمب اتم دارد، نه از لحاظ علمی به او فرصت داده شده در طول صد سال که همپای پیشروان قافله‌ی علمی حرکت کند و مواقع زیادی عقب مانده، هم از لحاظ ثروتها به پای آن کشورهای ثروتمند نمی‌رسد، اما در عین حال این کشور و این ملت توانسته است توطئه‌های مجموعه‌ی کشورهای قدرت‌مند برخورد از سلاح و تکنولوژی و ثروت مادی و رسانه‌ای را در مهم‌ترین میدانها به عقب‌نشینی وادار کند و شکست بدهد. این علتش چیست؟ این در خور تامل و تدقیق است. این را باید دانشمندان علوم سیاسی و علوم اجتماعی تحلیل کنند؛ ببینند نقش این معنویتها چگونه خود را نشان می‌دهد، که امروز در ایران نشان داده. لذا نگاه به این صحنه، نگاه عبرت‌آموز و درس‌آموزی است. صحنه، صحنه‌ی شکست قدرت استکباری امریکاست. نمی‌خواهیم ادعای واهی بکنیم؛ نه، این‌ها چیزهای واضحی است و خودشان هم می‌گویند.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۸۶/۱۱/۱۹

آنچه که در روز نوزدهم بهمن در سال ۵۷ اتفاق افتاد، بدون شک یک نقطه‌ی عطف بود. جمعی از کارکنان نیروی هوایی با یک حرکت خودجوش- که نشان‌دهنده‌ی برآیند همه‌ی احساسات و ذهنیات در آن نیرو بود- اقدام به کاری کردند که آخرین ضربه را بر پیکر محتضر رژیم طاغوت وارد کرد. هم کار بسیار شجاعانه بود، هم بسیار هوشمندانه بود. این‌جور حوادث که در طرف زمانی مورد نیاز و بهنگام اتفاق می‌افتد، گاهی می‌تواند سرنوشت یک ملت را تغییر بدهد یا آنها را در راه سرنوشتشان سرعت مضاعف بخشد. نیروی هوایی، آن روز این کار را کرد؛ حرکت بسیار بزرگی بود؛ راه را باز کرد بر روی بسیاری از مردم. همانطور که در این سرود زیبایی که این عزیزان اجرا کردند گفته شده «اولینم که دل دادم به رهبر»، حقیقتا همین‌جور بود. این حرکت، حرکت ریشه‌داری بود؛ این‌جور نبود که امروز فکر کنند، فردا راه بیفتند؛ همانطور که اشاره کردم این یک برآیندی بود از مجموعه‌ی آنچه که در نیروی هوایی، از احساسات و ذهنیات و عقلیات می‌گذشت، که در زمان مناسب به این شکل بروز کرد. لذا این روز، روز مهمی است؛ روز بسیار مبارکی است.

بازخوانی حوادث تاریخی اساسا به این منظور است که درسهای آن و عبرتهای آن برای نسلهای بعد باقی بماند. درس این حادثه برای ملت ایران در همه‌ی دورانها یک درس زنده است. اقدام شجاعانه، قدرت‌مندانه، با اتکا به نفس و برخاسته‌ی از یک عقلانیت صحیح و برخاسته‌ی از یک ایمان شورانگیز. اگر ایمان هم نبود، نمی‌توانست این حرکت اتفاق بیفتد. و مجموعه‌ی انقلاب ما از آغاز تا انجام، مظهر یک چنین حقیقتی است: یک فکر درست و هوشمندانه، همراه با ایمان شورانگیز، همراه با شجاعت و اقدام و نهراسیدن از آنچه که در این راه پیش خواهد آمد. این عناصر اصلی است که یک ملت را بالا می‌کشد؛ فقدان این‌هاست که یک ملت را تحقیر می‌کند.

بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

دنیای سیاست جهانی، دنیای بی‌تقوانی است. بی‌تقوانی موجب شده است که مستکبران عالم حتی به دوستان خودشان هم وفا نکنند. دیدید بر سر صدام ملعون روسیاه چه آوردند؟ تا وقتی به او احتیاج داشتند، او را تقویت کردند. همین امریکائی‌ها در دوران جنگ تحمیلی بر ما، آنچه توانستند به صدام حسین کمک کردند و پشتیبانی دادند. از نقشه‌ی هوایی و اطلاعات جاسوسی تا کمک تسلیحاتی، تا تقویت روحی، تا وادار کردن وابستگان به خود به پشتیبانی مالی، همه جور؛ چون به او احتیاج داشتند، امیدوار بودند او بتواند خدشهای بر چهره‌ی پر قدرت و مغرور ملت ایران وارد کند. وقتی مابوس شدند، تاریخ مصرقش تمام شد، به آن شکلی که دیدید او را درآوردند، منافع خودشان را جور دیگری دنبال کردند؛ این برای کسانی که حسن ظن و امید به این ابرقدرتهای بی‌تقوا و ناپرهیزکار دارند، درس عبرت است.

ملت ایران ابرقدرتهای را شناخت، امروز هم می‌شناسد. موضع‌گیری‌های ملت ایران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی در مقابل امریکای جنایت‌کار، بر اساس همین معرفت عمیق است. امروز کیست که نداند دوران رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا ناامن‌ترین دورانهای تاریخ اخیر بشری است؟ دوران بوش، دوران سیاه و تاریک، دوران ناامن‌تر شدن دنیا، دوران رشد تروریسم در سراسر دنیا است. این مهر باطل و سیاه در تاریخ به نام او خواهد ماند. او البته تا چند ماه دیگر خواهد رفت، مشکلات را به نفر بعدی خود منتقل خواهد کرد، اما این پرونده در تاریخ همیشه گشوده است؛ هرگز بسته نخواهد شد. این‌ها برای جوانان هوشمند ما درس عبرت است. خود را بشناسید، عظمت آن فکری که این انقلاب و این نظام مقدس را پی‌ریزی کرد، بدانید. شعار «نه شرقی، نه غربی»، شعار رد و نفی استکبار و مستکبران،

شعار استقلال ملت ایران، شعار اعتماد به این جوانهای مومن در هر نقطه‌ای از کشور، شعارهای زنده و جاوید ماست؛ هرکدام از دل پرحکمتی برخاسته است که با ارتباط با عالم غیب، با ارتباط با خدا، با بندگی خدا، آن مرد بزرگ، آن پیر فرزانه، آن حکیم دلاور آنها را به ما ملت ایران آموخت.

بیانات در دیدار مردم لار / ۱۳۸۷/۰۲/۱۹

از این گذشته لار یک بهره‌مندی عبرت‌آموز برای وضع امروز خودمان و آینده ملت عزیز و نیرومند خودمان باید بکنیم و آن این است که این الگو نشان داد که اگر یک ملتی با یک رهبری درست، رهبریکای که دل به دنیا و مطامع دنیا نسپرده باشد، وارد دشوارترین میدانها شود، خواهد توانست بر بزرگترین و لجوج و عنودترین دشمن‌ها پیروز شود. ملت ایران این تجربه را که از تاریخ خود در این منطقه و مناطق دیگر کشور آموخته بود، در انقلاب اسلامی به کار بست. با شعار برافراشتن پرچم اسلام، با شعار پیروی از اصول قوانین محمدی (صلی الله علیه و آله) ملت ایران در دورانی حرکت کرد که قدرتمندان عالم نیتشان و گمانشان این بود که هرچه دین و دین‌داری است، از صحنه زندگی مردم برطرف کرده‌اند. این نکته بسیار مهمی است که انقلاب ملت ایران در دورانی به نام دین و به نام اسلام توانست دنیا را متوجه به خود کند که قدرتمندان عالم - سیاستهای استکباری - تصور می‌کردند که ریشه‌ی دین و دین‌داری را در همه‌ی عالم از جمله در کشورهای اسلامی قطع کرده‌اند. خاطرشان آسوده بود که نامی از دین به طور برجسته، دیگر باقی نخواهد ماند و روز به روز آثار دینی در مردم ضعیف‌تر خواهد شد؛ خودشان را به این دلخوش کرده بودند. در یک چنین دورانی بود که ملت ایران با افراشتن پرچم اسلام، دین‌داری را به فضای زندگی مردم همه‌ی عالم برگرداند. این یک واقعیتی است. ما برای اسلام قیام کردیم؛ پرچم اسلام را بلند کردیم؛ اما حتی در کشورهایی که دین آنها غیر اسلام است، این تاثیر را انقلاب و ملت ما بخشید که آنها را به سمت تدین، به سمت معنویت، به سمت مطلق دین متمایل کرد. این معجزه را ملت ایران آفرید و این انقلاب با نام اسلام، با نام مبارک قرآن، توانست برای اکثر ملتهای عالم الگو شود.

اگر امروز شما به کشورهای اسلامی مسافرت کنید، می‌بینید با سی سال قبل - یعنی قبل از پیروزی این انقلاب - فضا یکی متفاوت است. آن روز اگر کسی هم برای آزادی خواهی یا استقلال حرفی می‌زد و حرکتی و قیامی می‌کرد، زیر پرچم و شعار مکاتب الحادی و غیر الهی بود، اما امروز در دنیای اسلام، روشن‌فکر، دانشجو، انسانهای دارای تعهد و مسئولیت، آن وقتی که از استقلال سخن بگویند، از آزادی سخن بگویند، زیر پرچم اسلام این شعارها را می‌دهند و این حرکت را انجام می‌دهند. این به برکت قیام شما ملت ایران و انقلاب اسلامی بزرگی بود که ریشه‌هایش را در تاریخ نزدیک به تاریخ معاصر ملاحظه کردید: قیام تنباکو، قیام مشروطیت به وسیله علمای بزرگ، و از جمله برجسته‌ترین آنها قیام مردم لارستان به رهبری این مرد بزرگوار. ما به گذشته که نگاه می‌کنیم، با این چشم نگاه می‌کنیم. گذشته برای ما یک وسیله و آئینه‌ای است؛ مایه‌ی عبرتی است تا راه آینده‌مان را هموار کنیم.

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

شما جوانها باید در جریان این تاریخ بسیار عبرت‌آموز در این منطقه و در مناطق دیگر قرار بگیرید. این، چیزهایی است که نسل جوان ما آنها را ندیده است؛ باید از آنها مطلع باشید. کسانی خواستند در این استان و در میان این مردم مومن و مهربان و صمیمی با انقلاب، نقشه‌های دشمن را اجرا کنند و پیاده کنند. این‌ها همان کسانی که می‌خواستند به نام مردم کرد حرف بزنند - به مردم کرد ضربه زنند. امروز ما هم با خانواده‌هایی مواجه هستیم که فرزندانمان در راه این مبارزه‌ی مقدس شهید شده‌اند، هم با خانواده‌های دیگری مواجه هستیم که فرزندانمان فریب دشمن را خورده‌اند؛ آنها هم داغ‌دیده‌اند و مورد ترحم و همدردی ما هستند. آن خانواده‌هایی که دشمن توانست جوان آنها را فریب بدهد و خون او را در راه اغراض فاسد آمریکا و صهیونیسم بکار بگیرد، آن خانواده‌ها هم گناهی نکرده‌اند؛ داغ جوانانمان را هم دیده‌اند؛ خیلی‌ها هم به یاد آنها نیستند. ما نسبت به آنها دلسوزی داریم. این هم از خسارت‌هایی است که ضد انقلاب بر این استان وارد کرده است.

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

استعمارگران از فرهنگ‌های شانزده و هفده که وارد سرزمینهای شرقی از جمله سرزمینهای اسلامی - شدند. برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملتها ببندند و آنها را اسیر خود بکنند، شروع کردند آنها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن. این‌ها عبرت‌آموز است؛ کار به جایی رسید که در زمان اوائل مشروطیت در این کشور، یک روشن‌فکر گفت: ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود! یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! این‌جور اعلان کردند. این فریاد مذلت‌بار را در کشور ما آن کسانی که به دین پشت کرده بودند، سر دادند. معلوم است؛ وقتی یک کشوری همه چیز خود را از دست داد و از درون تهی شد، استعمار انگلیس به راحتی می‌تواند بر همه چیز او - نفت او، ارتش او، دارائی او، دستگاه سیاسی او - تسلط پیدا کند؛ کار در دوران پهلوی به جایی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان‌کس را بعنوان نخست‌وزیر معین بکند، مجبور بود با سفیر انگلیس - و بعدها با سفیر آمریکا - در میان بگذارد و در واقع از او استعازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ دردبار گذشته‌ی ماست. این ضد عزت ملی است. حکومت‌های دیکتاتوری وابسته و فاسد، ملت ایران را از اریکه‌ی عزت فرود آوردند؛ نه علم او را توسعه دادند، نه دنیای او را درست کردند، بلکه آخرتش را هم از او گرفتند و لباس اسارت بر او پوشاندند. انقلاب اسلامی در مقابل یک چنین وضعیتی قیام کرد. در مقابل یک چنین مصیبت بزرگی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ایستاد و ملت ایران خون خود را در این راه نثار کرد و به پیروزی رسید.

بیانات در دیدار مردم مریوان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۶

باید آزمونهای بزرگی را که جمهوری اسلامی گذرانده است، این حرکت عظیمی که ملت ایران انجام داد و به اتکا احاد ملت ایران این پیروزی بزرگ نصیبشان شد، این‌ها را باید به صورت عبرت‌های بزرگ تاریخ، درسهای آموزنده‌ی تاریخ، شما جوانها بدانید، تا بفهمید وزن و مقدار تبلیغاتی که امروز ایادی استکبار در دنیا می‌کنند، چقدر است. من نمی‌خواهم تاریخ بگویم، من می‌خواهم این را بگویم: در سنندج در روز سه‌شنبه، من راجع به عزت ملی حرف زدم. یک ملت باید خود را عزیز بداند و عزیز قرار دهد. باید یک ملت از خواری، از ذلت، به هر وسیله‌ای از سوی هرکسی مبارزه کند و خود را به نقطه‌ی عزت برساند. این عزتی که برای ملت ایران یک ضرورت است و به فضل الهی به وسیله‌ی انقلاب اسلامی زمینه‌ی کامل این احساس عزت در ما مردم به وجود آمده است، یکی از عناصرش عبارت است از دل‌بسته و وابسته نبودن به بیگانگان، به دشمنان، به کسانی که در سرنوشت پرشکوه یک ملت مثل ملت ما، آنها هیچ‌گونه احساس سود نمی‌کنند. بنابراین دنبال منافع خودشان هستند و این منافع را در ذلیل کردن، خوار کردن، به استضعاف کشاندن ملتها می‌دانند. باید به این‌ها دل‌بسته نشد.

بیانات در دیدار مردم مریوان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۶

من فراموش نمی‌کنم در ذلی مردم با چهره‌ی باز از ما استقبال کردند. از ذلی با برادرها خارج شدیم برویم به سمت ارتفاعات مشرف بر سرزمینهای عراق - ارتفاعات «تته» - که مزدوران بدخواه حقیری در بین آن مردم نفوذ کرده بودند و حضور هیئت ما را به دشمن اطلاع دادند و دشمن هواپیماهایش را فرستاد. ما در بین راه که طرف ارتفاعات می‌رفتیم، دیدیم هواپیماهای دشمن عبور کرد؛ فهمیدیم حادثه‌ای برای ذلی پیش خواهند آورد. برگشتیم دیدیم متأسفانه مردم غیر نظامی، مردم کوچه و بازار را بمباران کردند؛ عده‌ای را زخمی کردند، عده‌ای را به قتل رساندند. و ما جنازه‌ی شهدا و بعضی از مجروحین را برداشتیم، آمدیم مریوان. این خاطرات عبرت‌آموز است. آن روز همین نظامهای جهانی مدعی حقوق بشر از همین صدام حسین دفاع می‌کردند؛ از همین حرکات وحشیانه دفاع می‌کردند. نسل جوان امروز در کشور ما می‌داند و بداند، آزمایشگاه دروغ و فریب، آزمایشگاه خطاهای بزرگ و جبران‌ناپذیر دستگاه‌های مدعی حقوق بشر، همین کشور عزیز

ما و همین مرزهای غربی این کشور از جمله منطقه‌ی کردستان بوده است.

بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون / ۱۳۸۸/۰۹/۲۲

کسانی که از اوائل انقلاب یادشان هست، می‌دانند؛ بعضی بودند از یاران امام، از نزدیکان امام در دهه‌ی اول انقلاب و در حال حیات امام، که کارشان به مقابله‌ی با امام کشید؛ کارشان به معارضة‌ی با امام کشید؛ ایستادند پای اینکه امام را به زانو در بیاورند و خطای حرکت امام (رضوان الله تعالی علیه) را - آن مرد بزرگ را، آن مرد الهی را - اثبات کنند؛ اما بعد زاویه پیدا کردند. خب، انقلاب این‌ها را مبرود کرد. کسانی که از نزدیکان امام بودند، از یاران امام بودند، کارشان کشید به یا پناه بردن به دشمن، یا مواجه شدن با انقلاب، یا ضربه زدن به انقلاب. این‌ها باید عبرت باشد برای همه‌ی ما؛ باید عبرت باشد؛ باید بفهمیم.

بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون / ۱۳۸۸/۰۹/۲۲

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه؛ اعتقاد من به جذب حد اکثری و دفع حد اقلی است؛ اما بعضی کانه خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند. یک اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را - که مبارزات انتخاباتی بود - یک عده‌ای تبدیل کردند به مبارزه‌ی با نظام - البته این‌ها اقلیتند، کوچکند؛ در مقابل عظمت ملت ایران صفرند، لکن به نام این‌ها شعار می‌دهند. این‌ها هم دل خوش می‌کنند به این - این باید مایه‌ی عبرت باشد. تبلیغ باید بتواند این حقایق را برای مردم و برای خود آنها روشن بکند که بفهمند دارند خطا می‌کنند و اشتباه می‌کنند.

دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن / ۱۳۸۸/۱۱/۰۶

«شهر هزار سنگر»؛ این تعبیر کمی است؟ حرف کوچکی است؟ قضیه‌ی ششم بهمن آنقدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیت‌نامه‌ی تاریخی خود هم مندرج کردند، آن را یادگار گذاشتند؛ یعنی فراموش نشود. حالا چرا فراموش نشود؟ برای اینکه حوادث تاریخی، هم درس است، هم عبرت است. قضایای جاری بر یک ملت، قضایائی است که در برهه‌های مختلف غالباً تکرار می‌شود. امروز بیست و هشت سال از آن زمان می‌گذرد، اما راه جمهوری اسلامی که عوض نشده است؛ دشمنان جمهوری اسلامی هم عوض نشدند. پس آنچه که آنجا اتفاق افتاد، می‌تواند برای امروز و برای آینده‌ی ما تا هر وقتی که ملت ایران به حول و قوه‌ی الهی دل‌بسته‌ی این اصول و این انقلابند، عبرت باشد، درس باشد؛ لذا نباید فراموش بشود.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۹ / سال «همت مضاعف و کار مضاعف» / ۱۳۸۹/۰۱/۰۱

تفسیر کوتاهی که از حوادث بعد از انتخابات در طول چند ماه می‌شود ارائه کرد، عبارت از این است که دشمنان کشور و دشمنان نظام جمهوری اسلامی بعد از گذشت سی سال، همه‌ی تلاش خود و توان خود و نیروهای خود را متمرکز کرده‌اند برای اینکه بتوانند این انقلاب را از درون شکست بدهند. ملت در مقابل این توطئه‌ی بزرگ، این حرکت خصمانه، با آگاهی و بصیرت و عزم و ایستادگی بی‌نظیری توانست دشمن را به شکست بکشاند. تجربه‌ای که در این هشت ماه بعد از انتخابات تا بیست و دوم بهمن بر این ملت و بر این کشور گذشت، تجربه‌ای پر از درس، پر از عبرت و حقیقتاً مایه‌ی سربلندی ملت ایران است.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۹/۰۱/۰۱

قوی‌ترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و بیست و دوی بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ نه دی هم همین‌جور. یکپارچگی ملت آشکار شد. همه‌ی کسانی که در عرصه‌ی سیاسی به هر نامزدی رای داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آن‌ها خوش‌بین هم بودند، تجدید نظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - یک‌فصل پرافتخار و پرعبرت برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه‌ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم.

بیانات در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه امام حسین (ع) / ۱۳۸۹/۰۲/۰۲

روز فتح خرمشهر - که در واقع نقطه‌ی اوج عملیات «بیت‌المقدس» در اردیبهشت و خرداد سال ۶۱ است - برای همه‌ی ما و برای تاریخ ما و آینده‌ی ما یک نمونه‌ی درس‌آموز و عبرت‌آموز است؛ چون در این روز نیروهای جان‌برکف ارتش و سپاه، با یک هماهنگی شگفت‌آور و تحسین‌برانگیز و با شجاعت و فداکاری غیر قابل توصیفی توانستند یک ضربه‌ی عظیمی وارد کنند؛ نه فقط بر پیکر ارتش عراق، بلکه این ضربت وارد شد بر پیکره‌ی نظام استکباری جهانی که با عده و عده‌ی خود پشت سر ماشین جنگی رژیم بعث قرار گرفته بودند. هیچ‌کس گمان نمی‌کرد چنین اتفاقی بیفتد، ولی افتاد.

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی / ۱۳۸۹/۱۰/۱۹

همین حرکتی که مردم عزیز قم در سفر چند روزه‌ی این بنده‌ی حقیر انجام دادند، حوزه‌ی علمیه انجام دادند، علما انجام دادند، جوانها انجام دادند، سبیلی بر دشمن بود؛ دردشان آمد. آنها نشان دادند که در مقابل این قدرت‌نمایی، این بصیرت، این حضور همه‌جانبه‌ی مردم آسیب‌پذیرند؛ این برای ما ملت ایران درس است.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه / ۱۳۹۰/۰۲/۰۶

مردم ما در قضیه‌ی هفت تیر این هنر را به خرج دادند؛ به جای اینکه ناامید شوند، به جای اینکه اعتماد به نفس خودشان را از دست بدهند، به جای اینکه از دشمن بترسند و در مقابل دشمن زانو بزنند، به جای ضعف و انکسار و انزهار، ملت ما به خاطر بصیرتی که داشتند و به طور دائم به وسیله‌ی امام بزرگوار در آنها تزریق میشد و در میان مردم دامن زده میشد، صبر کردند، ایستادگی کردند و موج را علیه دشمن برگرداندند. من خیرهای هفت تیر را بعدها شنیدم. در آن روز هفت تیر و روزهای بعد از هفت تیر، من در حال عادی و معمولی نبودم - بی‌هوش و نیمه بی‌هوش بودم - لیکن وقتی شنیدم که آنچه اتفاق افتاده است، چه بوده است و مردم چگونه با آن برخورد کردند، حقیقتاً مثل یک ناطری که از بیرون نگاه میکند، شگفت‌زده شدم. مردم ما باید این را حفظ کنند. این را باید ما به عنوان یک درس - درسی که آن را عمل کردیم، آن را به تاریخ پس دادیم - حفظ کنیم.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۰/۰۸/۱۱

سیزدهم آبان هم - که دو روز دیگر است - در حقیقت به معنای واقعی کلمه، یکی از ایام‌الله است؛ فرصتی است برای فکر کردن و استنتاج کردن و بر اساس این استنتاج، آینده را ساختن و برای آینده برنامه‌ریزی کردن؛ چون آینده مال شماست. چگونه حرکت کنیم که بتوانیم خودمان را، ملتمان را، کشورمان را، تاریخمان را، بلکه امت اسلامی را به اوج برسانیم؟ راه چیست؟ این را باید با تفکر و تدبیر در این عبرت‌ها به دست آورد. یکی از این عبرت‌ها در همین سیزدهم آبان است. قدرت الهی از یک طرف - که همه‌چیز در همین جمله‌ی «قدرت الهی» مندرج است - و بعد اراده‌ی مبارزه و ایستادگی در راه مبارزه، که متکی به قدرت الهی و توفیق الهی است، از طرف دیگر، سیزدهم آبان را یک برجستگی بخشیده است.

امام عزیز ما، آن مرد یگانه‌ی تاریخ ما، در مقابل طرح کاپیتولاسیون و مصونیت آمریکائی‌ها - که آن روز در ایران همه‌کاره بودند - ایستاد و به خاطر این اعتراض، روز ۱۳

آبان با حال غربت و تنهایی، به وسیله‌ی مزدوران آمریکا از ایران تبعید شد. در آن روز و در این تبعید، هیچ کس در کنار امام نبود. البته دلهای مردم با امام بود؛ اما امام را از خانه‌اش ربودند و در غربت کامل، او را در روز ۱۳ آبان سال ۴۳ از ایران تبعید کردند. پانزده سال بعد - پانزده سال، زمان زیادی نیست؛ مثل برق میگذرد - فرزندان امام، یعنی جوانان انقلابی دانشجوی، در روز ۱۳ آبان رفتند لانه‌ی جاسوسی آمریکا در تهران را تسخیر کردند؛ آمریکا را از ایران تبعید کردند. ببینید فعل و انفعال حرکت مردمی منکی به اراده‌ی الهی و قدرت الهی، چه کار میکند. امام در آن غربت در تبعید ایستاد، با کمال استقامت راه را دنبال کرد و مردم را کم‌کم و بمرور آورد صحنه کرد. امام مردم را بیدار کرد؛ احساس استقلال و آرمان‌خواهی همراه با مجاهدتی که در آن هیچ خوف و ترسی وجود ندارد، در مردم زنده کرد. مردم به میدان آمدند و انقلاب پیروز شد. مردم در انقلاب، شاه را از ایران راندند؛ در ۱۳ آبان، آمریکا را از ایران راندند. لذا امام فرمود: انقلابی بزرگتر از انقلاب اول. این یک عبرت است. یعنی یک ملت وقتی در راه درست، با هدایت صحیح و با بصیرت، ایستادگی و استقامت میکند، هیچ قدرتی در مقابل او تاب مقاومت ندارد. همه‌ی مانعها برداشته شد. این مسئله، محال به نظر می‌آمد. حکومت سلطنتی دو هزار و پانصد ساله، آن هم با پشتیبانی همه‌ی قدرتهای مادی دنیا، از ایران برچیده شود؟ باورکردنی بود؟ اما اراده‌ی اسلامی و ایمانی ملت ایران به رهبری امام، این امر محال را ممکن کرد؛ این امر نشدنی، واقع شد. همه در مقابل چشمشان این را بوضوح دیدند و آن را لمس کردند. و از این بالاتر، پرچم تسلط ظالمانه‌ی متکبران‌آمریکا از امام ایران پائین کشیده شد؛ زیر پای جوانهای مومن ما لگدمال شد. این هم نشدنی به نظر میرسید. این هم یک کار ناممکن به نظر میرسید. تحلیل میکردند، میگفتند، مینوشتند که ایران اسلامی چون در مقابل آمریکا ایستاده است، پس قطعاً شکست میخورد و مجبور به عقب‌نشینی میشود. تحلیلهای مادی این را میگفت، این را نشان میداد. خیلی از روشنفکر نمایان ما که خود را اهل تحلیل سیاسی و زیر و رو کردن حوادث و استنتاج از حوادث میدانستند، اینجور تحلیل میکردند. اما بعکس شد؛ اسلام پیروز شد، جمهوری اسلامی پیروز شد، آمریکا مجبور به عقب‌نشینی شد.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

بزرگداشت نوزده بهمن که ما اصرار داریم هر سال این بزرگداشت صورت بگیرد و در این سالهای متمادی در چنین روزی ما با عزیزان نیروی هوایی دیدار کردیم و شنیدیم و گفتیم، فقط به منظور زنده نگه داشتن یک خاطره نیست - اگرچه خود زنده نگه داشتن خاطرات گرمی و باشکوه، یک ارزش است - آنچه برای ما مهم است، دو نکته‌ی دیگر است: یکی درس گرفتن و عبرت گرفتن از گذشته است. وقتی ما مثلاً خاطره‌ی نوزدهم بهمن را مرور میکنیم، یک درسی از این حادثه فرا میگیریم؛ آن درس، درس اقدام، ابتکار، ایستادگی، کار بهنگام و تاثیر آن در حرکت جامعه و کشور است؛ این یک عبرت است. درست است که بدنه‌ی ارتش دوران قبل از انقلاب، بدنه‌ی طاغوتی نبود؛ سران طاغوتی بودند، بدنه جزو ملت بودند؛ این چیز روشنی است، برای ما از اول روشن بود، برای مردم هم در طول سالهای متمادی واضح و روشن شد؛ لیکن بروز این مردمی بودن، نقش‌آفرینی در عرصه‌ی حرکت مردمی، یک چیز دیگر است. این نمیشد، مگر آن وقتی که از درون ارتش یک حرکتی که برجسته باشد، چشم‌نواز باشد، چشمگیر باشد، به وقوع بپیوندد؛ و نوزده بهمن این کار را انجام داد.

بیانات در دیدار دبیر مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۰/۱۱/۲۱

آن روزی که انقلاب اسلامی در ایران پدید آمد، هیچ کس در این دنیای بزرگ گمان نمیکرد که پرچم اسلام بتواند اینجور، آن هم در یک چنین منطقه‌ای، در یک چنین کشوری که به طور دربست در اختیار سلطه‌گران بود، به اهتزاز در بیاید و این حرکت اسلامی بماند، رشد پیدا کند، در مقابل دشمنی‌ها بتواند مقاومت کند؛ هیچ کس در اطراف دنیا فکر نمیکرد.

دشمنان نظام جمهوری اسلامی به خودشان وعده میدادند که در طرف یک ماه، دو ماه، یک سال حداکثر، نظام جمهوری اسلامی را از پا خواهند انداخت و همه‌ی تلاش را برای یک چنین مقصودی به کار بردند. واقعا روزه‌روز تاریخ انقلاب ما عبرت است؛ روزه‌روز این سالهای پرتحرک و پرتلاش که انقلاب اسلامی در ایران شروع شد، میتواند به صورت یک نشانه‌ای، یک تابلویی، در مقابل چشم ملت‌ها قرار بگیرد و مایه‌ی عبرت باشد. آن همه توطئه، آن همه فشار به شکل‌های گوناگون و ایستادگی ملت ایران با رهبری آن مرد عظیمی که بلاشک لمعه‌ای و لمحه‌ای از انوار طبیعی نبوتها در وجود او خدای متعال قرار داده بود. امام بزرگوار ما، این مرد بزرگ، دنباله‌ی همان راه را، همان کیفیت را، همان حرکت را به کار گرفت، ملت ایران هم وفاداری نشان دادند، صدق نشان دادند، در صحنه ماندند، فشارها را تحمل کردند، عزم و اراده‌ی خودشان را فائق کردند بر توطئه‌ی دشمن. لذا این شجره‌ی طیبه (۱) ماند، ریشه دواند، رشد کرد و ان‌شالله روزه‌روز بر رشد و بر استحکام و قوت و قدرت این بنای مستحکم افزوده خواهد شد. اینها همه از برکت اسلام است، همه از برکت ولادت امروز [ولادت پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله)] است.

بیانات در دیدار دبیر مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۰/۱۱/۲۱

دشمنان نظام جمهوری اسلامی به خودشان وعده میدادند که در طرف یک ماه، دو ماه، یک سال حداکثر، نظام جمهوری اسلامی را از پا خواهند انداخت و همه‌ی تلاش را برای یک چنین مقصودی به کار بردند. واقعا روزه‌روز تاریخ انقلاب ما عبرت است؛ روزه‌روز این سالهای پرتحرک و پرتلاش که انقلاب اسلامی در ایران شروع شد، میتواند به صورت یک نشانه‌ای، یک تابلویی، در مقابل چشم ملت‌ها قرار بگیرد و مایه‌ی عبرت باشد. آن همه توطئه، آن همه فشار به شکل‌های گوناگون و ایستادگی ملت ایران با رهبری آن مرد عظیمی که بلاشک لمعه‌ای و لمحه‌ای از انوار طبیعی نبوتها در وجود او خدای متعال قرار داده بود. امام بزرگوار ما، این مرد بزرگ، دنباله‌ی همان راه را، همان کیفیت را، همان حرکت را به کار گرفت، ملت ایران هم وفاداری نشان دادند، صدق نشان دادند، در صحنه ماندند، فشارها را تحمل کردند، عزم و اراده‌ی خودشان را فائق کردند بر توطئه‌ی دشمن. لذا این شجره‌ی طیبه ماند، ریشه دواند، رشد کرد و ان‌شالله روزه‌روز بر رشد و بر استحکام و قوت و قدرت این بنای مستحکم افزوده خواهد شد. اینها همه از برکت اسلام است، همه از برکت ولادت امروز است.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان / ۱۳۹۰/۱۱/۲۶

آنچه که درسهای گوناگون و عبرتهای گوناگون انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به ما می‌آموزد، مطالب فراموش نشدنی و ماندگاری است که قدم به قدم ملت ما را، مسئولین ما را، شما عزیزان را، بخصوص جوانان را به سوی قله‌های بلند هدایت میکند. عبرتهای ما این را میگوید، تجربه‌های ما و مشهودات ما، نه فقط معلومات ما، بلکه آنچه به چشم می‌بینیم، ما را به این حقیقت راهنمایی میکند. یک نمونه که من لازم میدانم مطرح کنم، همین راهپیمایی عظیم ملت ایران در بیست و دوم بهمن امسال است. همه گفتند امسال از سالهای قبل جمعیت بیشتر بودند، پرشورتر بودند، شادمان‌تر بودند. چرا؟ این خبر یک نفر و دو نفر نیست؛ در تهران، در شهرستانها، در تبریز، اصفهان، مشهد و بقیه شهرهای بزرگی که ما از آنها خبر داریم، قضیه اینجور است. سوال این است که چرا؟ امسال چه خبر بود که مردم از سالهای دیگر گرمتر، گیراتر، مشتاقتر، پرشورتر این صحنه‌ی عظیم مردمی را انباشتند و پر کردند؟ پاسخ سوال برای ما درس‌آموز است؛ پاسخ این است که ملت ایران امسال احساس کرد که کشورش، نظامش، اسلام عزیزش به این حضور احتیاج دارد. یک جبهه‌ی دشمن عنود شریر که همه‌ی دستگاه‌های ارتباطی دنیا و رسانه‌های دنیا در مشقت اوست و بسیاری از سیاستمداران دنیای غرب دست‌نشانده‌ی این جبهه‌ی شریر هستند، یعنی جبهه‌ی سرمایه‌داران، کارتل‌داران، تراست‌داران، کمپانی‌داران بزرگ، سرمایه‌داران خونخوار و صهیونیستها، شبکه‌ی صهیونیست جهانی که اغلب رسانه‌های دنیا و رسانه‌های فوق مدرن امروز مثل این کانالهای تلویزیونی و بیشتر از همه کانالهای اینترنتی در اختیار اینهاست؛ متعلق به آنهاست. اینها از مدت‌ها قبل، از ماه‌ها قبل تبلیغات خود را روی این نقطه متمرکز کردند که ملت ایران نسبت به نظام، نسبت به اسلام، نسبت به هدفهای اعلام شده، سست شده است. این را هی تبلیغ کردند و به طور مداوم در بوقهای تبلیغاتی خودشان این حمله را تشدید کردند که به ملت عزیز ما بیاوراند این دروغ بزرگ را. هدف چی بود؟ هدف این بود که عملاً ملت شجاع ایران، ملت مومن ایران، ملت امتحان‌داده‌ی ایران در عرصه‌های سخت و بزرگ، سست بشود. وقتی ملت سست شد، کشور بی‌دفاع میشود؛ وقتی ملت در صحنه نبود، مسئولین

تنها میمانند. هیچ مجموعه‌ی سیاسی‌ای در دنیا بدون پشتوانه‌ی ملتهای خودشان نمیتوانند کار کنند، پیش بروند. اینها این عرض را داشتند. روی خصوص بیست و دوی بهمین تکیه کردند، انواع و اقسام حیل‌های تبلیغاتی را به کار بردند تا شاید بتوانند این صحنه‌ی حضور را خلوت کنند، خاموش کنند، بی‌رونی کنند؛ مردم این را فهمیدند. آنچه که انسان را به اعجاب وادار میکند، آنچه که انسان را در مقابل عظمت این ملت کوچک میکند که چقدر این ملت با عظمت است، همین بصیرت و موقع‌شناسی ملت ایران است. ... این بصیرت بی‌نظیر مردمی، این موقع‌شناسی انسان را دچار اعجاب میکند. این است که ملت را نگه داشته است، این است که کشور را حفظ کرده است. ملت ایران فهمید که امروز دشمن این هدف را دارد؛ با عمل خود، توی دهن دشمن زد؛ با حضور خود، تبلیغات دشمن را خنثی کرد. نوجوان، جوان، پیر، کهنسال از کار افتاده، زن و مرد، در همه‌ی کشور آمدند توی عرصه و صحنه‌ی حضور. طبق گزارشی که به من دادند - گزارش موثق - افلا در هشتصد و پنجاه شهر کشور این تظاهرات با همین شکل گسترده وجود داشته است که تلویزیون قادر نیست این همه را نشان بدهد. این ملت ایران است، این بصیرت است، این موقع‌شناسی و حضور این ملت است. این ملت شکست نخواهد خورد. آنهایی که باید پیام را بگیرند، گرفتند. آنهایی که در مغزهای الکلی آفت‌دیده‌ی خود خیالاتی برای ملت ایران در سر می‌بخشند، آنها فهمیدند در ایران چه خبر است. البته در تبلیغات سعی کردند نگذارند این حقیقت منعکس بشود، اما آنی که باید بفهمد، فهمید. دستگاه‌های اطلاعاتی دشمنان ما و سیاست‌گذاران اصلی در کشورهای معارض با جمهوری اسلامی، فهمیدند که ملت قهرمان ایران اینچنین در صحنه است؛ این جور وسط میدان حاضر است. البته خواستند نگذارند افکار عمومی دنیا بفهمد. این هم رسواکننده‌ی آنهاست؛ اینها همان کسانی هستند که مدعی آزادی ارتباطات و اخبار و اطلاعاتند، ادعا میکنند که ما خبر را پنهان نمیکنیم، خبر را مستور نگه نمی‌داریم، سانسور نمیکنیم. خب، اگر سانسور نمی‌کردند، این جمعیت ده‌ها میلیونی راهپیمایی سراسر کشور را نمیگفتند در تهران هزاران نفر آمدند! اینها هزاران نفر بودند؟! جمعیت میلیونی حاضر در عرصه، در روز بیست و دوی بهمین در تهران هزاران نفر بودند؟! گفتند در کل کشور ایران، صدها هزار! اینها صدها هزار نفر بودند؟! در هر کدام از شهرهای بزرگ کشور صدها هزار جمعیت جمع شدند، ده‌ها میلیون انسان آمدند توی صحنه. تبلیغات اینچوری است. خب، ما دروغ و تقلب و خدعه و تزویرهای حقارت‌آمیز را از دشمن کم ندیدیم؛ از اول انقلاب تا امروز همیشه همین جور بوده؛ باز هم همین جور خواهد بود، لکن هدف آنها برآورده نمیشود.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۹۱/۰۵/۲۵

بالاخره ما در دوران زندگی کوتاه دنیوی‌مان، این چند ده سالی که در دنیا زندگی میکنیم، دائم مواجه با چالشیم. همیشه چالش با استکبار و آمریکا نیست. چالشهای گوناگونی هست؛ لیکن در وضع انقلاب اسلامی، چالشهای درونی، چالش با شیطان، چالش با نفس اماره، و چالش با سلطه‌گران و انحصارطلبان و زیاده‌خواهان و استکبار هم هست. ما به عبرت و تامل و تعمق در این سنت الهی احتیاج داریم. شاید آن روزی که اسیر جنگ تحمیلی ایرانی، جوان مسلمان در آن اردوگاه با آن وضعیت، یا در آن سلول با آن شکنجه‌ها زندگی میکرد، به حسب ظاهر دریچه‌ی امید به روی او باز نبود؛ شاید تصور میکرد که این وضعیت ممکن است سالهای بیشتری طول بکشد یا سرانجامی جز مرگ و کشته شدن نداشته باشد. امروز واقعیت را نگاه کنید، ببینید چه اتفاقی افتاده است؛ آنها کجايند، شما کجايند؟ این یک عبرت است؛ این نشانه‌ی درستی و راستی و صدق وعده‌ی الهی است.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

آمریکایی‌ها تکرار میکنند که ایران بایستی در تصمیم‌هایی که میگیرد و چیزهایی که قبول میکند، بازگشت‌ناپذیری‌ای وجود داشته باشد؛ این را ما قبول نداریم. اگرچنانچه طرف مقابل میتواند به هر بهانه‌ای باز هم تحریم‌ها را علیه ملت ایران برقرار کند، هیچ وجهی ندارد که هیئت مذاکره‌کننده‌ی ما بپذیرد و کاری انجام بدهد که این کار برگشت‌ناپذیر است؛ به‌هیچ‌وجه، این یک صنعت مردمی است، یک صنعت بومی است، متعلق به مردم است، دانش آن و فناوری آن مال مردم است، باید پیش برود؛ این پیشرفت جز ذات هر صنعت و فناوری است. آنها بحث بمب اتم را پیش میکشند، خب خودشان هم میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم اما این را یک بهانه‌ای قرار داده‌اند برای فشار آوردن بر ملت ایران. ما در این مذاکرات به همه‌ی تعهدات بین‌المللی پایبند بودیم، ما در این مذاکرات به تعهدات اخلاق سیاسی-اسلامی پایبند بودیم، ما نقض عهد نکردیم، ما دو جور حرف نزدیم، ما تلون به‌خرج ندادیم؛ نقطه‌ی مقابل و طرف مقابل ما آمریکایی‌ها هستند، عهدشکنی کردند، تلون در آرا نشان دادند، تقلب نشان دادند، رفتار آنها یک رفتاری است که برای ملت ما مایه‌ی عبرت است؛ آن کسانی هم که در درون مجموعه‌ی روشنفکری کشور هنوز ملتفت نبودند که طرف مقابلشان - آمریکا - کیست، خوب است نگاه کنند به این مذاکرات و بفهمند با چه کسی مواجهند و آمریکا امروز در دنیا چه دارد انجام میدهد.

نامه رهبر انقلاب به رئیس‌جمهور درباره الزامات اجرای برجام / ۱۳۹۲/۰۷/۲۹

پیش از هر چیز لازم میدانم از همه‌ی دست‌اندرکاران این فرآیند برچالش، در همه‌ی دوره‌ها از جمله هیئت مذاکره‌کننده‌ی اخیر که در توضیح نقاط مثبت و در اصل تثبیت آن نقاط همه‌ی سعی ممکن خود را به کار بردند، و نیز از منتقدانی که با ریزبینی قابل تحسین، نقاط ضعف آن را به همه‌ی ما یادآور شدند و مخصوصاً از رئیس و اعضای کمیسیون ویژه‌ی مجلس و نیز از اعضای عالی‌مقام شورای عالی امنیت ملی که با درج ملاحظات مهم خود، برخی از نقاط خلا را پوشش دادند، و سرانجام از رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی که با تصویب طرحی محتاطانه، راه درست اجرا را به دولت ارائه کردند، و نیز از رسانه‌ی ملی و نویسندگان مطبوعات کشور که با همه‌ی اختلاف‌نظرها، در مجموع تصویر کاملی از این موافقت‌نامه در برابر افکار عمومی نهادند، قدردانی خود را اعلام دارم. این مجموعه‌ی پر حجم کار و تلاش و فکر در مسئله‌ای که گمان میرود از جمله مسائل به یاد ماندنی و عبرت‌آموز جمهوری اسلامی باشد، در خور تقدیر و مایه‌ی خرسندی است.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش / ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

روز نوزدهم بهمین وقتی نیروی هوایی آن ارتش، خود را عرضه‌ی بر انقلاب کرد و در حضور امام حاضر شد - آنجا هم یک نمونه‌ای بود؛ یک مشتکی از خوار، یک دسته‌گلی از یک مجموعه - در واقع معادلات در کشور تغییر پیدا کرد و معادلات حاکم بر اذهان همه دگرگون شد؛ معلوم شد که تهدید ارتش علیه مردم که نظامیان ارتش وابسته‌ی به دربار آن روز و خود دربار و پشتیبانان آمریکایی‌شان بر آن اصرار میکردند، یک توهم است و واقعیت ندارد. بنده آن روز حاضر بودم و از نزدیک دیدم انگیزه‌ها را، شوقها را، آدمها را؛ پدیده‌ای بود و پدیده‌ی عجیبی بود. این پدیده را باید گرمی داشت؛ این حرکت پرمعنا و اثرگذار را نباید گذاشت که از تاریخ ما و از اذهان ما زوده بشود. حوادث مهم تاریخ، حوادث اثرگذار تاریخ صرفاً یک خاطره نیست؛ در واقع یک درس است، یک ستاره‌ی راهنما است. این حرکت نیروی هوایی آن روز، یک ستاره‌ی راهنما است برای کل کسانی که در این مجموعه هستند و در آینده خواهند بود. الحمدلله نیروی هوایی بعد از آن حادثه هم نشان داد که در خط مستقیم و خوبی حرکت میکند؛ حقا و انصافاً این‌جور است. بنده در طول سالهای متصادم‌ای که با ارتش، با نیروهای مسلح و با حوادث گوناگون آنها از نزدیک سروکار داشتم، این گواهی را قاطعاً میتوانم بدهم که نیروی هوایی در جمهوری اسلامی ایران به‌معنای حقیقی کلمه خوب عمل کرد، هم در عملیات، هم در پشتیبانی‌ها، هم در ساخت درونی، هم در تدارک وسایل و ابزارها. سالهای متصادم است که به ما چیزی نفروخته‌اند یا به‌قدر قابل توجهی نفروخته‌اند [اما] نیروی هوایی توانسته خود را سرپا نگه دارد؛ ان‌شالله بعد از این هم سرپا نگه خواهد داشت و روزبه‌روز هم قوی‌تر خواهد شد.

یک نکته‌ی دیگر این است که این حرکت روز نوزدهم بهمین سال ۵۷ از سوی نیروی هوایی، بلافاصله از سوی مردم پاسخ داده شد. این هم یک درس است؛ یعنی شب بیست‌ویکم و بیست‌ودوم بهمین، وقتی که مقر نیروی هوایی از طرف لشکر گارد مورد تهدید قرار گرفت - حمله کردند؛ قصدشان هم این بود که نیروی هوایی به تعبیر آنها متهم را تنبیه کنند - اینجا مردم به کمک نیروی هوایی شتافتند. ببینید، فوراً عکس‌العمل نشان داده میشود؛ یعنی با مردم بودن، در خدمت مردم بودن، پیوسته به مردم بودن یک مجموعه‌ی نظامی، فوراً جواب میدهد؛ یعنی مردم پشتیبان میشوند. خیلی فرق میکند که یک مجموعه‌ی نظامی متکی به مردم باشد یا نباشد؛ این خیلی تفاوت دارد. آنجا نتیجه‌ی آن حرکت را بلافاصله دریافت کردند.

□